

هشدار مرعشی
نگذارید هتاک‌ها ادامه پیدا کندپیشنهاد گام به گام
بررسی نامه ایران به آمریکاارزش آورده
درباره کمبود کود آورده در جهانشوگ جنوبی
عواقب خروج امارات از اوپکسخت‌نوی دولت خبر داد:
اینترنت پرو
مصوبه شورای عالی
امنیت ملی است

یادداشت روز

**امتیازهای نقطه‌ای
در مذاکرات**

به دستاوردهای راهبردی نیاز داریم



ماشالله شمس‌الواعظین

روزنامه‌نگار

با سفر وزیر امور خارجه کشورمان به پاکستان، عمان و روسیه، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که تحرکات دیپلماتیک اخیر ایران تا چه اندازه می‌تواند در مسیر رفع تنش‌های ایران و آمریکا و تقویت جریان دیپلماسی راهگشا باشد؟

واقعیت آن است که ما با وضعیتی تعلیق شده میان ایران، ایالات متحده و اسرائیل مواجه هستیم؛ وضعیتی که از آن می‌توان به «نه جنگ، نه صلح» تعبیر کرد. این شرایط از یک منظر نگران‌کننده و از زاویه‌ای دیگر امیدبخش است. ابتدا باید به جنبه امیدبخش اشاره کرد چراکه تصویر روشن‌تری دارد. امیدواری از آن‌روست که نیروهای مسلح ایران اعم از ارتش و سپاه، می‌توانند از فرصت آتش‌بس موجود بهره گرفته و آرایش رزمی خود را براساس تجارب جنگ اخیر (که حدود ۴۰ روز به‌طول انجامید) بازتنظیم کنند. به‌ویژه در حوزه پدافند زمین‌به‌هوا و ضدموشک می‌توانند، آمایش خود را متناسب با تحولات احتمالی آینده اصلاح کنند. این بخش مربوط به جنبه امیدوارکننده آتش‌بس است.

امس نگرانی از آن جهت است که ایالات متحده و اسرائیل ممکن است از این فرصت برای جبران کاستی‌های خود بهره ببرند. براساس اظهارات مقامات آمریکایی و اطلاعات دریافتی به‌منظر می‌رسد این کشور به دنبال افزایش تولید و تکمیل ذخایر ضد موشکی خود از جمله سامانه‌های «تاد» و «پاتریوت» است. شواهد حاکی از آن است که آمریکا و اسرائیل در سه شیف‌ت کاری برای افزایش مهمات تلاش می‌کنند. این احتمال وجود دارد که پشت پرده آتش‌بس فعلی، آمادسازی برای جنگی دیگر نهفته باشد؛ جنگی که در آن مجدداً از عنصر غافلگیری استفاده شود. این راهبرد به‌ویژه برای اسرائیل که نظامی‌گری خود را بر پایه غافلگیری و جنگ‌های برق‌آسا و تعیین‌کننده بنا نهاده کاملاً آشناست.

نکته دیگر، تغییر آرایش نظامی آمریکاست که تمایل دارد رویارویی‌ها را به سمت دریا سوق دهد. این تغییر رویکرد ضمن کاهش هزینه‌ها برای واشنگتن، امکان تعریف مجدد بانک اهداف را فراهم می‌کند. از طریق محاصره اقتصادی ایران در دریا، آمریکا قصد دارد آنچه را در زمین به آن دست نیافته در دریا محقق کند. این عوامل می‌تواند، تبیین‌کننده پشت‌پرده آتش‌بس جاری باشد. بنابراین نمی‌توان نسبت به این فضای متفاوت بود. پاسخ ایران چیست؟ آیا حمله پیش‌دستانه خواهد بود؟ یا فعال‌سازی چرخه دیپلماسی؟ یا انتقال میدان نبرد از خشکی به دریا؟

ارزیابی این قلم آن است که ایران در دو عرصه احتمالاً با چالش مواجه خواهد شد به‌ویژه در رویارویی‌های دریایی. ایران پیش از این ثابت کرده که می‌تواند، تهدیدهای خاکی و بمباران‌های زمینی را با استفاده از قدرت موشکی خود به‌فاز رویارویی دریایی منتقل کند. امروز می‌دانیم که ایران با تکیه بر کنترل یا بستن تنگه هرمز عملاً چالش را از خشکی به آب‌ها کشانده است. اما در شرایط کنونی، آتش‌بس تنها محدود به خشکی است و دریاها همچنان عرصه جنگ باقی مانده‌اند. آمریکا با استمرار محاصره و توقیف نفتکش‌های ایران عملاً رویارویی دریایی را ادامه می‌دهد. با این حال همین مسأله را نباید کاملاً منفی تلقی کرد؛ زیرا ایران توانسته است، کانون چالش را از قلمرو زمینی خود خارج کند. اما آیا ایران می‌تواند در شرایط محاصره اقتصادی دوام آورد؟ پاسخ منفی است. ادامه این روند ریسکی بسیار بالا را به همراه دارد.

از این رو پیشنهاد می‌شود که ایران از تنگه‌های دیگر به‌عنوان اهرم استفاده کرده و چالش را از تنگه هرمز و محاصره بنادر خود به حوزه‌های استحقاقی و مناطق دارای منافع حریف، به‌ویژه اسرائیل در دریای سرخ، منتقل کند. با وجود توانمندی‌های یمن، این سناریو کاملاً شدنی است.

| ادامه در صفحه ۸

نخست وزیر جوان نتیجه ائتلاف

علی الزیدی از سوی رئیس‌جمهور عراق به‌عنوان نخست‌وزیر، انتخاب و مأمور تشکیل کابینه شد
آیا او گزینه آمریکایی‌هاست؟ سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در فضایی که ماه‌ها ریزنی‌های پیچیده و اختلافات عمیق میان جریان‌های سیاسی عراق، فرآیند تعیین نخست‌وزیر جدید را به بن‌بست کشانده بود، سرانجام چارچوب هماهنگی نیروهای سیاسی شیعه در نشست سرنوشت‌ساز، گزینه نهایی خود را معرفی کرد. این ائتلاف که بزرگ‌ترین بلوک سیاسی شیعه در عراق به‌شمار می‌رود پس از بررسی و ارزیابی اسامی مختلف، علی‌الزیدی را به‌عنوان نامزد خود برای تصدی پست نخست‌وزیری و تشکیل دولت آتی معرفی کرد. خبرگزاری رسمی عراق بلافاصله این خبر را منتشر و اعلام کرد که چارچوب هماهنگی، در بیانیه‌ای رسمی، تلاش‌های دولت پیشین به ریاست محمد شیاع السودانی را طی سه سال‌ونیم گذشته تحسین کرده است. به گفته این بیانیه عملکرد کابینه سابق در مقابله با چالش‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله بحران‌های ناشی از نوسانات قیمت انرژی و فشارهای ژئوپلیتیک، به‌عنوان الگویی از مدیریت ملی و مسئولانه ستوده شده است. اما آنچه بیش از هر چیز در این بیانیه توجه ناظران را به‌خود جلب کرد، قدردانی ویژه از مواضع تاریخی نوری المالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون و محمد شیاع السودانی، رئیس ائتلاف بازسازی و توسعه بود. این دو چهره شاخص سیاسی که پیش‌تر، نام آنها به‌عنوان جدی‌ترین گزینه‌های نخست‌وزیری مطرح می‌شد با انصراف داوطلبانه از نامزدی، راه را برای خروج از بن‌بست سیاسی هموار کردند. چارچوب هماهنگی این اقدام را تجلی روحیه مسئولیت‌پذیری و اولویت منافع ملی بر منافع جناحی ارزیابی کرد.

| ادامه در صفحه ۳



گزارش

هشدار سیدحسین مرعشی
درباره تخریب سرمایه‌های کشور:

هتاک‌ها ادامه پیدا کند،
نوبت خود بزرگان فعلی می‌شود



گروه سیاسی: دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران با انتقاد از روند تخریب و توهین به شخصیت‌های سیاسی کشور هشدار داد که ادامه این رفتارها، نه تنها چهره‌های با سابقه را از صحنه حذف می‌کند بلکه در نهایت کشور را به جایی می‌رساند که هیچ فرد معتبری برای اداره امور باقی نخواهد ماند. سیدحسین مرعشی تأکید کرد اگر بزرگان امروز در برابر این هتاک‌ها سکوت کنند، فردا نوبت خود آنها خواهد رسید.

مرعشی در گفت‌وگو با ایانا با اشاره به چهلمین روز شهادت شهید لاریجانی درباره بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌ها نسبت به او از سوی افراد تدررو و ادامه این رفتارها از سوی تدرروها درباره برخی دیگر از مقامات سیاسی کشور گفت: امروز در ایران با یک مشکل جدی مواجه هستیم؛ شخصیت‌های ملی و در جهان، شخصیت‌های بین‌المللی کم داریم و همان تعداد کم را هم قدر نمی‌دانیم و برای آنها احترام قائل نیستیم. او با اشاره به طبیعی بودن اختلاف‌نظر در عرصه سیاست افزود: در دوره‌هایی ممکن است که شخصیت‌های سیاسی با یکدیگر مواضع متفاوت داشته باشند اما مسأله مهم این است که ما نپذیرفته‌ایم این افراد، حتی اگر دیدگاه‌شان با ما متفاوت باشد، همچنان محترم و مقیدند. این نگاه نادرست امروز به یک آفت جدی در سیاست داخلی تبدیل شده است.

مرعشی درباره شهید لاریجانی نیز گفت: او یکی از شخصیت‌هایی بود که همیشه بر اساس اعتقاداتش حرکت کرد و حاصل سال‌ها تجربه مدیریتی بود. از ریاست مجلس تا دبیری شورای عالی امنیت ملی و وزارت ارشاد، بخشی از تاریخ معاصر ایران با نام او گره خورده است. دشمن چنین شخصیتی را در اوج توانایی از ما گرفت؛ فردی که هم در حوزه نظامی و هم در عرصه دیپلماسی می‌توانست مؤثر باشد. مرعشی تصریح کرد: امیدوارم که جامعه ما به جای حسرت خوردن بر گذشته پرافتخار و یا اندیشیدن و تمرکز بر آینده آرمانی با ترک این خصوصیت به واقع‌گرایی گرایش پیدا کند و واقع‌گرایانه به مسائل نگاه کند و با ارزیابی واقعی از امکانات‌مان بتواند، تصمیمات درست بگیرد. وی ادامه داد: امروز تصمیم درست برای ایران، نگاه هم‌زمان به میدان و دیپلماسی است. همان‌طور که از نیروهای مسلح و مدافعان کشور تقدیر می‌کنیم باید از تیم‌های مذاکره‌کننده و افرادی که در عرصه سیاسی و دیپلماتیک نقش دارند نیز حمایت کنیم. بدون استفاده هم‌زمان از قدرت نظامی و ابزار دیپلماسی، نمی‌توان منافع کشور را به شکل حداکثری تأمین کرد.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با اشاره به برخی شعارهای تند علیه مسئولان سابق کشور در تجمعات خیابانی گفت: بزرگان نباید اجازه دهند، شخصیت‌های مؤثر ایران مورد حمله قرار گیرند. اگر این روند ادامه پیدا کند هیچ‌کس معتبر نخواهد ماند. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در این باره گفته بود «آسیاب به نوبت است»؛ یعنی امروز نوبت یک نفر است و فردا نوبت دیگری. مرعشی تأکید کرد: اگر این هتاک‌ها و توهین‌ها ادامه پیدا کند، نوبت خود بزرگان فعلی هم خواهد رسید. دیر یا زود چرخ می‌چرخد و کشور به نقطه‌ای می‌رسد که هیچ آدم معتبری باقی نمانده است. او در پایان با مقایسه ایران و ترکیه گفت: در ترکیه، با وجود اختلافات سیاسی، نام آتاتورک همچنان محترم است و حتی مخالفانش هم نمی‌توانند علیه او سخن بگویند. اما ما در ایران از مصدق تا هاشمی، خاتمی، روحانی و لاریجانی همه را یکی‌یکی بی‌اعتبار کرده‌ایم و کنار گذاشتیم. یک ملت موفق باید از سرمایه‌هایش حفاظت کند. سپردن سیاست به گویندگان بی‌تجربه سیاسی و فرصت دادن برای تخریب کردن سرمایه‌های کشور، هیچ عاقبت خوشی را برای ایران رقم نمی‌زند.

اینترنت پر و مصوبه شورای عالی امنیت ملی است

سخنگوی دولت تأکید کرد: دولت با بی‌عدالتی ارتباطی مخالف است

که آن را تصمیمی امنیتی و موقت می‌داند، روایت منتقدان که آن را گسترش تبعیض دیجیتال می‌خوانند و روایت نهادهای نظارتی که در حال بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن هستند و در این میان اینترنت همچنان برای بسیاری از کاربران به‌عنوان مسئله‌ای در انتظار تعیین تکلیف باقی مانده است.

اما در لایه پنهان‌تر این جدال، یک واقعیت دیگر هم دیده می‌شود: اینکه تصمیم‌گیری درباره اینترنت دیگر صرفاً در سطح یک وزارتخانه یا حتی دولت انجام نمی‌شود. همان‌طور که مسئولان دولت بارها تأکید کرده‌اند، اینترنت پرو براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی شکل گرفته؛ نهادی که در شرایط خاص، تصمیم‌های آن می‌تواند مسیر سیاستگذاری در حوزه‌های کلان را تغییر دهد. این یعنی بخشی از اختیاراتی که پیش‌تر در حیطه دولت و وزارت ارتباطات تعریف می‌شد حالا به سطحی بالاتر و امنیتی‌تر منتقل شده و عملاً مسیر تصمیم‌گیری را پیچیده‌تر کرده است. دولت از یک طرف تلاش می‌کند، تأکید کند که نگاهش

به اینترنت «حق عمومی و غیرطبقاتی» است اما از طرف دیگر مجبور است در چارچوب مصوبات نهادی حرکت کند که اولویت اصلی‌اش، مدیریت شرایط امنیتی و بحرانی است. همین دوگانگی هم تصویر فعلی از دولت را شکل داده؛ دولتی که هم‌زمان باید پاسخگو مطالبه اجتماعی برای اینترنت آزاد باشد و در عین حال مجری تصمیم‌هایی باشد که در سطح امنیتی اتخاذ شده‌اند. نتیجه این وضعیت هم شکل‌گیری مدلی است که در آن اینترنت برای همه یکسان تعریف نمی‌شود و دسترسی‌ها بر اساس شرایط و گروه‌ها تفکیک شده است؛ چیزی که در قالب اینترنت پرو خود را نشان

داده است. در همین حال بحث قیمت‌گذاری و دسترسی متفاوت به این نوع از اینترنت هم حساسیت‌های اجتماعی را افزایش داده و این پرسش را در افکار عمومی مطرح کرده که اگر اینترنت یک حق عمومی است چرا باید کیفیت و سطح دسترسی آن برای گروه‌های مختلف متفاوت باشد؟ و اگر این تفاوت ناشی از شرایط امنیتی است، مرز میان موقت بودن و تثبیت شدن آن دقیقاً کجاست؟ به این ترتیب اینترنت پرو حالا به نقطه‌ای تبدیل شده که در آن دولت، شورای عالی امنیت ملی و افکار عمومی در سه مسیر متفاوت اما به هم پیوسته قرار گرفته‌اند؛ تصمیم‌هایی که در سطح امنیتی گرفته می‌شود، اجرا در سطح دولت انجام می‌شود و اثراتش مستقیماً در زندگی روزمره مردم دیده می‌شود و همین زنجیره چالش‌جدیدی را شکل داده که هنوز پاسخ روشنی برای آن در فضای عمومی وجود ندارد.

بازرسی دستور دادم موضوع چگونگی اختصاص خط‌های سفید و اینترنت پرو را پیگیری کنند».

وزیر ارتباطات، سیدستار هاشمی، هم پیش‌تر در این رابطه موضع‌گیری کرده و بی‌پایان اینکه اینترنت با کیفیت حق همه مردم است، تأکید کرد که هرگونه تفکیک دسترسی، از جمله مدل‌هایی مانند اینترنت طبقاتی، در تضاد با نگاه کارشناسی وزارتخانه قرار دارد.

در سطح ریاست جمهوری هم روایت مشابهی شنیده می‌شود. سید محمد مهدی طباطبائی، معاون ارتباطات دفتر رئیس‌جمهور اخیراً در شبکه ایکس نوشت که مسعود پزشکیان با محدودیت دسترسی مردم به اینترنت بین‌الملل قویاً مخالف است اما هم‌زمان تأکید کرد، طرح اینترنت پرو که با مصوبه شورای عالی امنیت ملی در حال انجام است صرفاً راهی موقت برای دسترسی‌های ضروری به اینترنت جهانی است.

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، هم در گفت‌وگو با خبرنگاران، فضای فعلی را نتیجه شرایط جنگی دانست و تأکید کرد که این محدودیت‌ها دائمی نیستند. او



از مردم خواست در این دوره «دندان روی جگر بگذارند» و وعده داد که با بازگشت شرایط به حالت عادی، اینترنت هم به وضعیت طبیعی باز خواهد گشت. در نهایت دیروز در خبرها آمد که مجلس هم وارد این پرونده شده است. کمیسیون صنایع و معادن اعلام کرده که موضوع اینترنت پرو، نحوه دسترسی و حتی قیمت‌گذاری آن در دستور بررسی رسمی قرار گرفته و قرار است، وزیر ارتباطات درباره جزئیات این طرح به مجلس پاسخ دهد. برخی نمایندگان نیز این پرسش را مطرح کرده‌اند که اگر هدف، ارتقای کیفیت اینترنت است چرا این دسترسی برای همه شهروندان فراهم نمی‌شود.

سه‌راهی دولت، امنیت و مردم

در مجموع، آنچه امروز تحت عنوان اینترنت پرو جریان دارد، نقطه تلاقی سه روایت متفاوت است. روایت دولت



عاطفه شمس

گروه سیاسی

شبکه‌ای که قرار بود جهانی باشد این روزها برای ایرانی‌ها شبیه یک مسیر پر سنگلاخ انتخابی شده؛ مسیری که برای بعضی‌ها باز است، برای بعضی‌ها نیمه‌باز و برای بخش بزرگی از جامعه همچنان محدود یا کند. در میانه این وضعیت اصطلاحی تازه با عنوان «اینترنت پرو» به ادبیات رسمی کشور وارد و این روزها به مناقشه‌ای مهم تبدیل شده است.

در این شرایط بیشتر از قبل یادمان می‌آید که یکی از وعده‌های پررنگ مسعود پزشکیان در دوران انتخابات، کاهش محدودیت‌ها و حرکت به سمت رفع فیلترینگ و دسترسی آزادتر به اینترنت جهانی بود. وعده‌ای که حالا در میدان واقعیت با مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی، جنگ، تنش‌های منطقه‌ای و شرایط پس از آتش‌بس با مسیری متفاوت روبه‌رو شده است. نه تنها فیلترینگ به شکل گسترده‌تر ادامه دارد بلکه دسترسی عمومی به اینترنت بین‌الملل هم همچنان با محدودیت‌های جدی مواجه است و در کنار آن سازوکار تازه‌ای بنام اینترنت پرو شکل گرفته که عملاً دسترسی را طبقه‌بندی می‌کند.

روایت دولت از اینترنت پرو

اما فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، روز گذشته تأکید کرد که اینترنت پرو با هدف حفظ فعالیت کسب‌وکارها در شرایط بحرانی و با مصوبه شورای عالی امنیت ملی اجرایی شده است. او گفت که این تصمیم در بستر وضعیت خاص کشور گرفته شده و قرار است با عادی شدن شرایط تغییر کند. مهاجرانی البته هم‌زمان تأکید دارد که دولت با هر نوع بی‌عدالتی ارتباطی مخالف است و اینترنت را حق شهروندی می‌داند اما در عین حال ملاحظات امنیتی را عامل اصلی این محدودیت‌ها معرفی می‌کند.

در ادامه، دامنه انتقادات از واگذاری اینترنت پرو به قوه قضائیه هم رسید و رئیس دستگاه قضا با انتقاد از واگذاری اینترنت پرو به برخی افراد، از مسئولان قضایی جمهوری اسلامی خواست درباره چگونگی اختصاص این نوع خطوط تحقیق کنند. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در نشست به شنیده‌هایش درباره استفاده افرادی از اینترنت پرو اشاره کرد که به گفته او «ربطی به شغل‌شان» ندارد و «بابت آن چند ۱۰ میلیون تومان» پول رد و بدل شده است. او این وضعیت را «هم تبعیض و هم فساد» خواند. او همچنین ساعتی بعد در شبکه ایکس نوشت: «به دادستانی کل کشور و سازمان

سیاست

جدال در اردوگاه اصولگرایان

نزاع تازه میان تسنیم و رجانیوز بر سر تفسیر خطوط قرمز مذاکرات

گروه سیاسی: ماجرا از یک گزارش شروع شد؛ گزارشی با تیتراژ «لویای سحرآمیز» که در خبرگزاری تسنیم منتشر شد و اشاره اش به موضوع شروط ایران در مذاکرات با آمریکا، خیلی زود تبدیل به جرقه‌ای شد برای یک جدال تازه در دل جریان اصولگرا. رجانیوز، رسانه نزدیک به سعید جلیلی و جبهه پایداری با مدیریت میثم نبلی، به این گزارش واکنش نشان داد و در یادداشتی انتقادی، بدون نام بردن مستقیم از تسنیم، به محتوای گزارش تاخت و نوشت که در آن، خطوط قرمز مذاکرات با عبارتی «شرآمیز» توصیف شده است. رجانیوز تأکید کرد چنین ادیبانی قابل قبول نیست و این رسانه باید اشتباه خود را اصلاح کرده و عذرخواهی کند.

در ادامه، خبرگزاری تسنیم در پاسخ به این انتقاد، مطلبی تند با عنوان «راه رجایی یا روش کشمیری؟» منتشر کرد و به شدت به رجانیوز حمله برد و نوشت: «یکی از سایت‌ها بنام رجانیوز به رغم سابقه تلاش بنیانگذاران مومن انقلابی اولیه، چند سالی است با تغییر تیم اداره‌کننده به رویکرد مشکوک و تفرقه‌افکنی روی آورده که یکی از نقاط سیاه کارنامه‌اش توهین آشکار به مراجع است: حال این سایت این روزها به دروغ مدعی نقد دیگران به خطوط قرمز رهبر معظم انقلاب شده است». در

بخش دیگری از این یادداشت آمده: «اهانت به مراجع، تنها یک بخش از کارنامه ستیزه‌جویانه این گروه کوچک است؛ فقط تماشا کنید و ببینید آن‌ها طی همین روزهای اخیر چه کسانی را مورد حمله و تخریب قرار داده‌اند؟ از سخنران اصلی همچون حجت‌الاسلام حامد کاشانی تا مداح انقلابی مانند حاج میثم مطیعی، هر کس به وحدت بر مبنای فرامین رهبر معظم انقلاب تأکید کند، با حمله اینها مواجه می‌شود! و البته این مسأله مختص زمان حاضر هم نیست؛ برخی افراد مورد حمایت این جریان به بهانه نقد یک مطلب (که درباره جزئیات آن قضایاتی نداریم) چه رفتاری با دفتر نشر آثار امام شهید کردند؟! برخی از اعضای این جریان چه موضعی درباره حاج قاسم سلیمانی داشتند؟! با سرداران شهید مانند سلامی و باقری و حاجی‌زاده چگونه برخورد می‌کردند و حالا با چه رویی خود را مدافع سرداران تظلم‌کننده می‌خوانند؟!»

تسنیم ادامه می‌دهد: «ریاکاری و سیاست‌بازی و تفرقه‌افکنی و تکمیل پازل دشمن اگر روش کشمیری نباشد حداقل راه رجایی نیست! نام شهید رجایی با اخلاص و تقوا و اسلام‌دوستی و احترام به مراجع عظام و اتحاد ملی گره خورده است. اگر روش کشمیری که همان ترور اشخاص بود مذموم و محکوم است؛

«ترور شخصیتی» کمتر از ترور فیزیکی نیست؛ چه آنکه خداوند فرمود «آبروی مومن از کعبه هم بالاتر است». و نهایتاً، تسنیم ترجیح می‌دهد از این پس بار دیگر همچون گذشته، تمرکز خود را صرفاً بر مبارزه با آمریکا و اسرائیل قرار دهد و وقت خود را بیش از این برای پاسخگویی به توهانات مصروف نکند».

پس از این حمله، رجانیوز دوباره واکنش نشان داد و در یادداشتی تازه نوشت: «برجسب‌بزی به نیروهای انقلابی در این طیف فکری سابقه‌ای دیرینه دارد؛ خطاب قرار دادن نیروهای حزب‌اللهی با عباراتی چون «تندرو»، «افراطی»، «رادیکال»، «خوارج»، «توفرقان» و مانند آن هیچگاه از حافظه تاریخی فعالان سیاسی و رسانه‌ای جریان انقلاب پاک نخواهد شد». رجانیوز همچنین نوشته است: «تسنیم در این مطلب با توصیفاتی چون «روش کشمیری» و «جریان مشکوک»، مدعی «اهانت به مراجع» و «اقدامات ضدامنیت ملی» از سوی رجانیوز شده و در نهایت با اشاره‌ای خنده‌دار به اینکه «آبروی مومن از کعبه بالاتر است» اعلام کرده که وقت خود را برای پاسخگویی به نقدهای مطرح شده، صرف نخواهد کرد. رجانیوز ضمن ابراز تأسف از این روش خلاف اخلاق و تقوا در خبرگزاری تسنیم و با یادآوری این نکته که رجانیوز در دوران ریاست حجت‌الاسلام اژه‌ای بر قوه قضائیه از سوی هیأت منصفه مطبوعات و قاضی محترم پرونده، از دروغ بزرگ اهانت به مرجعیت تبرئه شده، جهت حفظ اتحاد و همدلی مردم مومن و انقلابی از پاسخ به این مطلب پرهیز خبرگزاری تسنیم خودداری کرده و اتهامات کذب این رسانه علیه خود را از مجاری حقوقی و قانونی پیگیری خواهد کرد».

پیشنهاد گام به گام

شبکه‌های رسانه‌ای جهان
به بررسی نامه و پیشنهاد ایران به آمریکا پرداختند



کشیده شود: تنگه بسته خواهد ماند، نیروهای آمریکایی ماهها در منطقه سرگردان می‌مانند، قیمت انرژی سقف شکنی می‌کند و هر دو طرف منتظر می‌مانند، ببینند چه کسی اول عقب‌نشینی یا شلیک می‌کند. ترامپ به یکی از مشاوران گفته: «تنها چیزی که ایران می‌فهمد، بمب است». همان مشاور او را «کلافه اما واقع‌گرا» توصیف کرده: خواهان جنگ نیست اما عقب‌نشینی هم نمی‌کند. مارکو روبریو، وزیر خارجه، شب‌دوشنبه در فاکس‌نیوز بر ادامه تحریم‌های فوق‌العاده و افزایش فشار تأکید کرد. به این ترتیب تنگه هرمز به مرکز ثقل معادله‌ای تبدیل شده که نه فقط سرنوشت دو کشور بلکه ثبات انرژی جهان و حتی نقشه سیاسی آمریکا پیش از انتخابات را رقم خواهد زد.

اورانیوم غنی‌شده توسط ایران. با این حال او صریحاً گفت نمی‌تواند بگوید که این پیشنهاد در حال بررسی برای پذیرش است یا نه. یعنی کاخ سفید هنوز روی صفر تا صد این معادله تصمیم نگرفته و شاید روزهای آینده، پاسخ متقابلی ارائه کند. اما در همین حین اختطاری هشداردهنده از درون تیم ترامپ به بیرون درز کرده است. نشریه اسکایوس به نقل از یک منبع نزدیک به رئیس‌جمهور می‌نویسد: «یک مناقشه منجمد بدترین چیز برای ترامپ از نظر سیاسی و اقتصادی است». با نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر (تنها ۶ ماه دیگر) بن‌بستی که نه جنگ است و نه صلح، می‌تواند تله‌ای مرگبار برای دولت آمریکا باشد. چندین مقام آمریکایی به اسکایوس گفته‌اند که نگرانند، آمریکا به سناریوی «نه جنگ و نه توافق»

آخرین دور از دیدارهای غیرمستقیم دو کشور در پاکستان لغو شد اما دیپلماسی فشرده در پشت درهای بسته هرگز متوقف نمانده است. میانجی‌ها دو طرف را تحت فشار گذاشته‌اند و چند روز آینده را برخوردار «از اهمیت ویژه‌ای» می‌دانند. ساختار توافق مورد بحث، یک توافق مرحله‌ای است: مرحله اول کاملاً انسانی و مربوط به بازگشایی تنگه و برقراری آتش‌بس واقعی در حوزه دریایی و مراحل بعدی که به اعتراف خود مقامات آمریکایی «دلیل جنگ اعلام شده» یعنی برنامه هسته‌ای همچنین سرنوشت اورانیوم غنی‌شده در آنها بررسی خواهد شد.

اما تردیدهای شخص ترامپ، این تصویر شکننده را گرفتار پیچیدگی تازه‌ای کرده است. به نوشته وال‌استریت ژورنال او پیشنهاد ایران را به‌طور کامل رد نکرده اما «درباره عدم حسن نیت آنها ابراز تردید دارد». به‌ویژه او باور ندارد که ایران حاضر باشد، خواسته اصلی وی یعنی پایان کامل غنی‌سازی اورانیوم را در مراحل بعدی عملی کند. کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید با احتیاطی کم‌سابقه از اظهارنظر درباره جزئیات خودداری اما تأکید کرد که خطوط قرمز ترامپ تغییری نکرده است: باز ماندن جریان نفت در تنگه و تحویل

گروه بین‌الملل: در پشت صحنه آنچه می‌توان «جنگ سرد تنگه هرمز» نامید، تحرک دیپلماتیک پنهانی جریان دارد که سرنوشت قیمت انرژی و ثبات خاورمیانه به آن وابسته است. بر اساس گزارش‌های محرمانه‌ای که شبکه سی‌ان‌ان و وال‌استریت ژورنال به نقل از دو منبع آگاه منتشر کرده‌اند، دونالد ترامپ شامگاه دوشنبه در جلسه‌ای حساس با مقامات ارشد امنیت ملی، سیگنال منفی اما غیرقطعی به آخرین طرح صلح ایران داده است. طرحی که از سوی تهران ارائه شده، معامی دوباره را پیش روی کاخ سفید می‌گذارد: ایران آماده است، تنگه هرمز را بدون قید و شرط بازگشایی کند و ناوبری در این آبراه حیاتی نفت را به شرایط پیش از جنگ بازگرداند اما به‌صراحت موضوع برنامه هسته‌ای را به مراحل بعدی مذاکرات موکول کرده است. دقیقاً همین گسست بین «فوری‌ترین خواسته آمریکا» یعنی جریان آزاد نفت و «عمیق‌ترین نگرانی آن» یعنی پایان غنی‌سازی اورانیوم است که ترامپ را در دوراهی قرار داده است.

برخلاف فضای رسانه‌ای که اغلب بر اختلافات عمیق تأکید می‌کند، منابع مطلع از روند میانجی‌گری می‌گویند: فاصله طرفین آن‌قدرها که به‌منظر می‌رسد، زیاد نیست. گرچه

ادامه تیترا یک

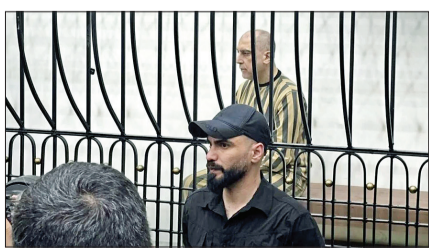
آمریکا

محاکمه پسر خاله اسد

مردی که یک کودک را مثله کرد

دادگاه کیفری دمشق این روزها شاهد برگزاری محاکمه جنایتکاری است که روزگاری خدای درعا نامیده می‌شد: عاطف نجیب، رئیس وقت اداره امنیت درعا و پسرخاله بشار اسد، رئیس‌جمهور مخلوع و فراری سوریه.

پس از فروپاشی ساختار امنیتی رژیم سابق در دسامبر ۲۰۲۴ عاطف نجیب که می‌دانست به دلیل جنایاتش در درعا یکی از اصلی‌ترین اهداف عدالت است با هویت جعلی به مناطق ساحلی گریخت. سرانجام در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵ طی یک عملیات غافلگیرانه و دقیق در نزدیکی شهر «الحقه» در حومه لاذقیه، نجیب در کمین نیروهای امنیتی گرفتار و بدون مقاومت بازداشت شد. او بلافاصله تحت تدابیر شدید امنیتی به دمشق منتقل گشت تا به‌عنوان متهم ردیف اول پرونده‌های شکنجه و قتل معتراض، از جمله پرونده تکان‌دهنده حمزه‌الخطیب، در دادگاه‌های علنی، پاسخگوی اعمال خود باشد. نجیب اکنون با اتهاماتی همچون «جنایت علیه بشریت»، «شکنجه سیستماتیک غیرنظامیان» و «سرکوب خشن اعتراضات در درعا» روبروست. همه چیز از اسفند ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱) آغاز شد. زمانی که ۱۵ کودک در شهر «درعا» با الهام از بهار عربی، روی دیوار مدرسه‌شان نوشتند: «نوبت توست دکتر!»؛ اشاره‌ای به بشار اسد که چشم‌پزشک بود و رئیس‌جمهور. نیروهای امنیتی اما همین یک شعار را تاب نیاوردند و دانش‌آموزان را دستگیر کردند. بازداشت این کودکان، بزرگان و ریش‌سفیدان قبایل درعا را به دفتر عاطف نجیب، رئیس وقت امنیت سیاسی و پسرخاله بشار اسد، کشاند. در آن جلسه تاریخی، وقتی پدران با ترس و فروتنی خواستار آزادی فرزندان‌شان شدند، نجیب با وقاحتی که در تاریخ ثبت شد، فریاد زد: این بچه‌ها را فراموش کنید؛ بروید و بچه‌های جدیدی بسازید. اگر بلد نیستید چطور این کار را انجام دهید، زنان‌تان را نزد ما بیاورید تا ما این کار را برایتان انجام دهیم!» این توهین رکیک به مردمان درعا و نوامیس آنها همان جرقه‌ای بود که به انبار باروت خشم سوری‌ها افتاد و سوریه را به کام اعتراضات کشاند سپس در مسیر جنگ داخلی انداخت.



وزارتی میان احزاب و جناح‌های مختلف، جلب نظر چارچوب هماهنگی همچنین سایر گروه‌های سیاسی حاضر در پارلمان و در نهایت اخذ رأی اعتماد، همگی مراحل هستند که نیازمند چانه‌زنی‌های فشرده و ساعات‌ها مذاکره پشت درهای بسته است. حتی اگر الزیدی موفق به تشکیل کابینه و دریافت رأی اعتماد شود، سخت‌ترین بخش کار تازه آغاز می‌شود. مناسبات چالش‌برانگیز عراق و آمریکا در ابعاد مختلف سیاسی و امنیتی یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های دولت آینده خواهد بود. مسائل مربوط به حشد الشعبی و گروه‌های مقاومت همراه با اصرار آمریکا بر حصر سلاح و زیاده‌خواهی‌های واشنگتن در این خصوص همواره به‌عنوان منبعی از تنش میان بغداد و واشنگتن باقی مانده است. افزون بر این شرایط امنیتی شکننده عراق، به‌ویژه در بجه‌جنگ کنونی در منطقه، و تنش شدید میان کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس با عراق بر سر مواضع این کشور در قبال جنگ، معادله را پیچیده‌تر می‌کند. در چنین فضایی، اقتصاد عراق که به‌شدت زیر ضربات جنگ و تحریم‌های غیرمستقیم قرار گرفته، نیازمند معجزه‌ای در مدیریت و دیپلماسی اقتصادی است. الزیدی که سابقه مدیریت مالی و بانکی دارد باید نشان دهد که آیا می‌تواند از این کارنامه تخصصی در مواجهه با بحران‌های کلان ملی استفاده کند یا اینکه نبود تجربه سیاسی، او را در برابر موج فشارها ناکارآمد خواهد کرد. در هر صورت عراق وارد فاز جدیدی از تجربه سیاسی خود شده است؛ فازی که در آن یک تکنوکرات جوان باید ثبات سیاسی را با مهار بحران‌های عمیق اقتصادی و امنیتی گره بزند. موفقیت یا ناکامی او تا حد زیادی به توانایی‌اش در تشکیل کابینه‌ای متوازن، جلب حمایت پایدار پارلمان و مهم‌تر از همه، مدیریت تضادهای داخلی و فشارهای خارجی بستگی دارد. آزمون بزرگ علی‌الزیدی همین حالا آغاز شده است.

پرونده او دیده می‌شود. با این حال آنچه بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، نبود تجربه مستقیم سیاسی و عدم وابستگی به احزاب سنتی است؛ ویژگی‌ای که می‌تواند هم یک نقطه قوت تلقی شود و هم یک آسیب‌پذیری بزرگ.

الزیدی دوشنبه‌شب بلافاصله پس از صدور حکم مأموریت از سوی رئیس‌جمهور در اولین اظهارات خود به‌عنوان نخست‌وزیر مکلف بر چند محور کلیدی تأکید کرد. او با اشاره به اینکه اولویت‌های دولت آتی، مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی و ایجاد عراقی متعادل در منطقه و جهان است از تمامی احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی خواست تا در این برهه حساس، همکاری و هماهنگی خود را افزایش دهند. الزیدی در ادامه با تشکر از رهبران چارچوب هماهنگی به‌خاطر اعتمادی که به او داشته‌اند، اظهار کرد که عراق از منابع انسانی و طبیعی عظیمی برخوردار است که می‌تواند، فرصتی بی‌نظیر برای مدیریت کشور در چارچوب رویکردی مبتنی بر توانمندی اقتصادی و شکوفایی اجتماعی ایجاد کند. نخست‌وزیر مکلف عراق همچنین تصریح کرد که برنامه کابینه آتی، کامل‌کننده اقدامات و دستاوردهای دولت‌های قبلی در حوزه ارتقای وضعیت خدمات عمومی و بهبود شرایط اجتماعی خواهد بود. او وعده داد که در تدوین اولویت‌های این برنامه، هم خطرات موجود و هم فرصت‌های پیش‌رو با دقت لحاظ خواهد شد. از نظر الزیدی، هدف نهایی آن است که عراق به کشوری متعادل در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود؛ کشوری که نه درگیر نیابتی‌های مخرب می‌شود و نه اجازه می‌دهد، دیگران به‌جای آن تصمیم بگیرند.

اما مسیر پیش روی الزیدی به هیچ‌وجه هموار نیست. او یک ماه فرصت دارد تا ترکیب کابینه خود را معرفی کند. این یک ماه در تاریخ سیاسی عراق همیشه به ماراتنی طاقت‌فرسا برای نخست‌وزیران مکلف تبدیل شده است. توزیع پست‌های

نخست‌وزیر جوان؛ نتیجه ائتلاف

در ادامه این روند، نزار آمیدی، رئیس‌جمهور عراق، رسماً علی‌الزیدی را مأمور تشکیل دولت جدید کرد. این حکم ریاست‌جمهوری نقطه پایان یک دوره طولانی از کشمکش‌های درون‌جناحی محسوب می‌شد. انتخاب الزیدی در شرایطی صورت گرفت که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، پیش‌تر به‌صراحت تهدید کرده بود که در صورت انتخاب نوری المالکی به‌عنوان نخست‌وزیر، آمریکا تمام حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی خود را از عراق قطع خواهد کرد. علی‌الزیدی که تا پیش از این، هرگز سمت سیاسی مهمی در ساختار حکومتی عراق بر عهده نداشته است اکنون به‌عنوان چهره‌ای جدید و غیرسیاسی معرفی می‌شود؛ فردی که نه سابقه وزارت دارد، نه در پارلمان عراق حضور داشته و نه به‌عنوان یک چهره حزبی شناخته می‌شود. همین ویژگی‌ها باعث شده که بسیاری از رسانه‌های عربی و بین‌المللی از او با عناوینی چون «تکنوکرات» یا «نامزد مصالحه‌ها» یاد کنند. به‌منظر می‌رسد انتخاب الزیدی، حاصل یک توازن پیچیده و دقیق از قوا و مصالحه میان جناح‌های مختلف درون ائتلاف شیعی است که هر یک به‌دنبال حفظ سهم خود در دولت آینده بودند.

الزیدی متولد سال ۱۹۸۶ میلادی در استان ذی‌قار در جنوب عراق است و با ۳۸ سال سن، جوان‌ترین نامزدی محسوب می‌شود که تاکنون برای تصدی مقام نخست‌وزیری عراق معرفی شده است. این جوانی در عرصه سیاست عراق که معمولاً در اختیار چهره‌های کهنه‌کار و سالخورده است، خود یک تحول قابل تأمل به‌شمار می‌رود. الزیدی دارای مدرک کارشناسی حقوق و نیز کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مالی و بانکداری است. این ترکیب خاص از دانش حقوقی و اقتصادی، به‌گفته تحلیلگران، می‌تواند ابزاری بسیار مؤثر در مدیریت پرونده‌های پیچیده حکمرانی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، اصلاح نظام بانکی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی عراق باشد. کارنامه حرفه‌ای او نیز این ادعا را تقویت می‌کند. الزیدی سابقه ریاست هیأت‌مدیره چندین نهاد مهم اقتصادی، آموزشی و درمانی را در کارنامه دارد؛ از جمله شرکت ملی هلدینگ، دانشگاه الشعب، مؤسسه پزشکی عشتار همچنين بانک مصرف الجنوب. در بانک مصرف الجنوب، او تجربه مستقیمی در مدیریت سیاست‌های اعتباری، ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری و هدایت منابع مالی به سمت پروژه‌های مولد به‌دست آورده است. افزون بر این عضویت در کانون وکلای عراق و مشارکت فعال در مباحث مربوط به توسعه اقتصادی، اصلاح ساختارهای دولتی، بهبود نظام آموزشی و ارتقای شاخص‌های حکمرانی خوب نیز در

ویترین

ترجمه کتابی از موحد

ترجمه کتاب هیاهو بر سر هیچ
اثر محمدعلی موحد به زبان انگلیسی

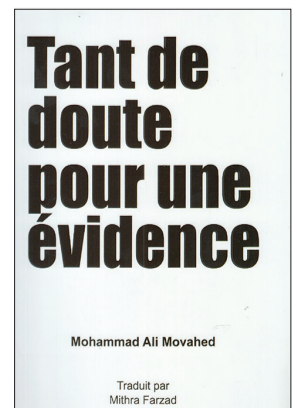


افشین شحنتبار، مدیر انتشارات «شمع و مه» از ترجمه کتاب «هیاهو بر سر هیچ» اثر محمدعلی موحد به زبان انگلیسی توسط زهرا رضازاده خبر داد و گفت: «هیاهو بر سر هیچ» نوشته استاد محمدعلی موحد، از جمله معدود آثار در زمینه خلیج فارس است که پیش‌تر به زبان فرانسه ترجمه و در این کشور توزیع شده است. انتشار این اثر در فرانسه حواشی و بازتاب‌های خوبی داشت که از جمله این موارد، قرائت بخش‌هایی از این کتاب در پارلمان فرانسه بود.

شحنتبار درباره انتخاب این اثر برای ترجمه و توزیع در بازارهای بین‌المللی کتاب گفته: «نخستین مزیت این کتاب، فرم نوشتاری آن است که مستند است، از سوی دیگر مؤلف کتاب را می‌توان دومین مزیت این اثر نسبت به کارهای مشابه دانست. استاد موحد از جمله مؤلفان ایرانی شناخته‌شده در اروپاست که آثار زیادی از ایشان تاکنون ترجمه شده است. پیشنهاد همکاری فرانسوی این بود که روی کتابی کار کنیم که مؤلف آن شناخته شده باشد تا بتوان از این اثر به‌عنوان یک اثر مرجع یاد کرد. در واقع تلاش داشتیم، کتابی از یک مؤلف و تاریخ‌شناس بزرگ درباره خلیج فارس داشته باشیم که فکر می‌کنم همانند استاد موحد در زمان حاضر در این حوزه نداشته باشیم.» «هیاهو بر سر هیچ» با ترجمه میترا فرزاد به صورت مشترک توسط انتشارات شمع و مه و انتشارات ادیسیون لاؤلوا در فرانسه منتشر و توزیع شده بود. شحنتبار درباره ترجمه فرانسه گفته بود: «کار ترجمه و انتشار کتاب توسط ما و با همکاری راینز فرهنگی ایران در فرانسه انجام شده و کار توزیع توسط ناشر فرانسوی انجام خواهد شد.» «شحنتبار همچنین گفت: ترجمه انگلیسی این اثر نیز در دست انجام است و توسط زهرا رضازاده انجام خواهد شد. «هیاهو بر سر هیچ» اثر محمدعلی موحد، حقوق‌دان بازنشسته شرکت نفت و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. او در این کتاب موحد به تاریخ خلیج فارس و معاهدات بین‌المللی ایران و انگلیس در این باره می‌پردازد. موحد سعی کرده به‌دور از گردوغبار، ستیزه‌جویی و غوغاگری، زمینه را برای رفع سوءتفاهم و رنجیدگی میان دو طرف آماده کند و با بررسی سوابق تاریخی خلیج فارس در معاهدات بین‌المللی ایران و انگلیس، ارائه اسناد محرمانه هندوستان و انگلستان و بررسی دقیق حقوقی اسناد و زیر و بم مذاکرات ادعاهای ارائه شده از سوی شیوخ را بی‌اساس و «مبالغه‌مستعار» می‌شمارد. در این کتاب، موقعیت جغرافیایی جزایر، ارتباط افغانستان با منطقه خلیج فارس، حضور بریتانیا در این منطقه و معاهدات ایران و انگلستان بررسی شده است. در پایان کتاب، تصویر چندین سند و نامه به‌همراه نقشه خلیج فارس و موقعیت جغرافیایی جزایر نیز آمده است.

حقوق دان نفتی اهل قلم

محمدعلی موحد، مورخ و پژوهش‌گر نامی سال ۱۳۰۲ در تبریز چشم به جهان گشود. موحد تحصیلات خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ مدرک دکترای حقوق خصوصی از این دانشگاه شد. موحد سال ۱۳۲۹ به شرکت نفت آبادان رفت و پس از خلع ید انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۲ سردبیری روزنامه شرکت نفت را به‌عهده گرفت و در همین سال به تهران انتقال یافت. او در سال ۱۳۳۲ کار بر روی ترجمه «سفرنامه ابن بطوطه» را انجام داد که در سال ۱۳۳۶ منتشر شد و به‌واسطه قدرت قلم و شیوایی ترجمه، توجه ارباب فضل را به خود جلب کرد و نام موحد بر سر زبان‌ها افتاد؛ چنان‌که با تشویق و تقدیر کسانی همچون مجتبی مینوی و محمدعلی جمال‌زاده همراه شد. موحد افزون بر وکالت پایه‌یک دادگستری از آغاز برپایی شرکت ملی نفت ایران در بدنه حقوقی شرکت نفت وارد شد و تا بالاترین درجات (مشاور عالی رئیس هیأت‌مدیره، مشاور ارشد و عضو اصلی هیأت‌مدیره) انجام وظیفه کرده و در ابتدای تأسیس او یک به مدت ۶ ماه معاونت اجرایی آن سازمان در ژنو را عهده‌دار بوده است.



چالش هاروکی

شروع تکان‌دهنده رمان حکایت کاهو موراکامی با محوریت زنان

هاروکی موراکامی، نویسنده سرشناس ژاپنی ۳ ژوئیه ۲۰۲۶ نخستین رمان خود را با شخصیت اصلی زن در ژاپن منتشر می‌کند؛ رمانی به نام «حکایت کاهو» که داستان نویسنده‌ای ۲۶ ساله را روایت می‌کند و در شرایطی روانه بازار می‌شود که موراکامی سال‌ها به خاطر نحوه ترسیم شخصیت‌های زن در آثارش مورد انتقاد بوده است. به گزارش خبرآنلاین به نقل از «گاردین» این رمان ۳۵۲ صفحه‌ای حول محور کاهو، نویسنده ۲۶ ساله کتاب‌های تصویری، می‌چرخد و بر اساس مجموعه‌ای چهار قسمتی از این نویسنده ساخته شده که ابتدا بین ژوئن ۲۰۲۴ و مارس ۲۰۲۶ در مجله ادبی «شینچو» منتشر شد. رمان حاضر نسخه‌ی بازبینی و گسترش‌یافته‌ای است. قسمت اول آن که توسط فیلیپ گابریل به انگلیسی ترجمه شده بود، سال ۲۰۲۴ در مجله «نیویورکر» منتشر شد. داستان با این صحنه آغاز می‌شود که کاهو به یک قرار با فردی ناشناس می‌رود و مرد به او می‌گوید: «در زندگی‌ام با زن‌های گوناگونی قرار گذاشته‌ام اما باید بگویم هرگز کسی به زشتی تو ندیده‌ام.» این کتاب پس از آخرین رمان موراکامی با عنوان «شهر و دیوارهای نامطمئن آن» منتشر می‌شود که سال ۲۰۲۴ در بریتانیا چاپ شد. همچنین انتشارات پنگوئن در ماه اکتبر مقاله‌ای به نام «رها کردن گربه» را منتشر خواهد کرد که درباره پدر موراکامی است و آن را نیز گابریل ترجمه کرده است. ناشر موراکامی، شرکت انتشاراتی شینچوشا، «حکایت کاهو» را اولین رمان بلند و معرفی کرده که شخصیت اصلی منحصر‌از زن دارد. این نویسنده پیش‌تر در داستان‌های کوتاه خود زنانی را در نقش شخصیت اصلی آورده

بود. در رمان سه‌جلدی «۱۹۸۴» نیز یکی از دو شخصیت اصلی زن بود. موراکامی ۷۷ ساله همواره به خاطر نحوه به تصویر کشیدن زنان با انتقادهایی روبه‌رو بوده و اغلب متهم شده که شخصیت‌های زن را به اشیایی جنسی‌زده یا یک‌بعدی تقلیل می‌دهد. در مصاحبه‌ای که بارها به آن استناد شده، در سال ۲۰۰۴ با مجله «پاریس ریویو»، درباره شخصیت‌های زن رمان‌هایش گفت: «در داستان‌های من، زنان واسطه هستند - پیام‌آوران جهان آینده. به همین دلیل است که آنها همیشه به سراغ قهرمان داستان من می‌آیند؛ او به سراغ آنها نمی‌رود.» موراکامی در گفت‌وگو با «نیویورک تایمز» در فوریه، نوشتن از منظر یک زن را ناآشنا اما طبیعی توصیف کرد. او گفت: «من او شدم.» هم‌چنین گفت این رمان نسبت به آثار قبلی‌اش خوش‌بینانه‌تر است. او جزئیات چندانی درباره پیرنگ داستان ارائه نکرد اما کاهو را «دختری بسیار معمولی، نه چندان زیبا و نه چندان باهوش» توصیف کرد اما افزود: «اتفاقات عجیب زیادی برای او و در اطرافش رخ می‌دهد.» موراکامی که یکی از مشهورترین نویسندگان معاصر ژاپن است در طول ۴۷ سال فعالیت ادبی خود ۱۵

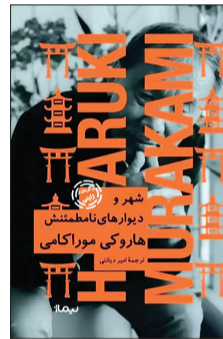
رمان نوشته و آثارش به حدود ۵۰ زبان ترجمه شده است. از جمله آثار او می‌توان به «جنگل نروژی»، «سرگذشت پرند کوی»، «کافکا در کرانه» و «۱۹۸۴» اشاره کرد.

آثار موراکامی در ایران

اول شخص مفرد: مجموعه ۸ داستان کوتاه از موراکامی است که در سراسر جهان به داستان‌هایش مشهور است. داستان‌هایی که عناصر رئالیسم جادویی را همراه با عناصر فرهنگی و بومی ژاپن ترکیب کرده است و نتیجه، اثری بی‌نظیر است که هم حس آشنای شرقی را برای مخاطبش تداعی می‌کند و هم روح ادبیات مدرن جهان غرب را در خود دارد. این کتاب که تمام ویژگی‌های داستان‌نویسی موراکامی را در خود دارد و همگی از یک ویژگی دیگر نیز برخوردارند، همه داستان‌ها از زبان اول شخص مفرد بیان می‌شوند.

سوکورو تا زکی بی‌رنگ و سال‌های زیارتش: هم با سبک رئالیسم جادویی، روایت زندگی مهندسی به نام سوکورو تا زکی است که دچار بحران شخصیتی شده. سوکورو چهار دوست دارد، پس از مدتی با یکدیگر به حدی صمیمی شدند که تصمیم گرفتند روی یکدیگر اسم‌های خودمانی‌تری بگذارند. البته این اسم‌ها تا حدی برگرفته از نام خانوادگی هر کدام است. آکا (قرمز)، آو (آبی)، شیرو (سفید) و کورو (سیاه) نام‌هایی هستند که برای همدیگر انتخاب می‌کنند اما سوکورو همان سوکورو باقی ماند و هیچ رنگی را به او نسبت نمی‌دهند.

کافکا در کرانه: احتمالاً معروف‌ترین اثر هاروکی موراکامی است. این کتاب موز و قطور، دو داستان را همزمان با هم



گزارش: سینمای جهان

سقوط روایت

سریال‌هایی که بازتاب واقعی جامعه نیستند

اما احتمالاً خود دست‌اندرکاران این سریال‌ها هم می‌دانند که هیچ‌کدام از سریال‌هایی که ساخته شده‌اند، در میان آثار برتر تاریخ و دهه‌های اخیر قرار نمی‌گیرند؛ البته این را می‌توان در ارتباط با کسانی گفت که آثار خوب سال‌های گذشته را دیده باشند. اما چرا این سریال‌ها نمی‌توانند، کارکرد یک اثر نمایشی واقعی را داشته باشند آن هم درحالی که همه می‌دانیم این آثار با هزینه‌های هنگفتی هم ساخته می‌شوند.

نمایش بازتاب جامعه

هنرهای نمایشی همواره رسانه‌ای قدرتمند بوده‌اند که تغییرات اجتماعی و آگاهی جمعی هر دوره را بازتاب می‌دهند. از آغاز شکل‌گیری‌اش، فیلم‌ها نه‌تنها برای سرگرمی ساخته شده‌اند بلکه آموزش داده‌اند، تفکر برانگیخته‌اند و الهام‌بخش تغییر بوده‌اند. این هنر دگرگون‌کننده، فراتر از روایت ساده داستان است چرا که روح زمانه، حال‌وهوای یک عصر و جریان‌های پنهانی که جهان ما را شکل می‌دهند، ثبت می‌کند. سینما و سریال از طریق لنز دوربین، پنجره‌ای به پیچیدگی‌های تجربه انسانی می‌گشاید و هنجارها، ارزش‌ها، تعارض‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهند. هر دوره و هر فرهنگ، صدای خود را در

در روزهای پس از آتش‌بس و بعد از رکودی بلندمدت، سریال‌های جدید و قسمت‌های تازه سریال‌هایی که پخش می‌شدند، باردیگر روی پلتفرم‌های مختلف در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفتند. سریال‌هایی مانند بدنام، بی‌عاطفه، گل‌سنگ، بیست‌ویک و هزارتو تعدادی از این سریال‌ها هستند که در حال حاضر دیده می‌شوند.

بدون توقیف

سریال «بدنام» که بعد از پخش قسمت اولش با توقیف روبه‌رو شده بود، سرانجام رفع توقیف شده و قسمت دوم و سوم آن منتشر شد. سریال که در سه قسمت اول، داستانی عاشقانه و پیچیده را روایت می‌کند، نمی‌تواند بیننده (دست‌کم مخاطب حرفه‌ای و فیلم‌بین) را برای انتظار جهت تماشای قسمت‌های آینده، مجاب کند. البته که این مشکل فقط مربوط به «بدنام» نیست و تقریباً می‌توان گفت که تمامی سریال‌های حال حاضر چنین شرایطی را دارند. اما واقعاً مشکل چیست که با وجود تنوع ظاهری و کمیت نسبتاً بالا، این آثار نمایشی نمی‌توانند، تأثیرگذار باشند؟ این درحالی است که یک اثر نمایشی خوب نه‌تنها می‌تواند یک سرگرمی کامل باشد که می‌تواند روی زندگی افراد جامعه تأثیر بگذارد.



گزارش: سینمای جهان

در ستایش مادر

سخنرانی احساسی زاهارا درباره آنجلینا جولی



رسانه‌ها می‌گویند، آنجلینا جولی باید واقعاً به دخترش زاهارا جولی افتخار کند. دختر ۲۱ ساله آنجلینا جولی، زاهارا، درباره رابطه «خاص و هم‌روح» خود با مادرش و تجربه بزرگ شدن در فضای عمومی صحبت کرد.

زاهارا در کالج معتبر اسپلمان عملکرد درخشانی داشته و حتی به‌عنوان عضو ارزشمند شاخه آلفا کاپا آلفا در انجمن خواهران دانشجویی شناخته می‌شود. به همین دلیل او برای سخنرانی در یک ناهار رسمی انجمن انتخاب شد؛ مراسمی که با هدف گرامیداشت رابطه مادر و دختر برگزار شده بود و مادر فوق‌العاده مشهورش نیز در آن حضور داشت. او در این سخنرانی که توسط بنیاد پرلز اف پریرز در آتلانتا و در تاریخ ۲۶ آوریل برگزار شد، گفت رابطه‌اش با مادرش منحصره‌فرد و هم‌روح‌گونه است.

زاهارا که دانشجوی بسیار فعال و پرنشاطی‌ای در اسپلمان است در سخنرانی خود گفت: «وقتی از من خواسته شد، امروز درباره ارزش رابطه مادر و دختر صحبت کنم، پیدا کردن کلمات سخت بود. نه به این دلیل که این رابطه برایم مهم نیست بلکه چون رابطه من و مادرم یک رابطه خاص و تقریباً هم‌روح است که توضیح دادنش سخت است».

او ادامه داد: «عشق ما به یک عشق پیدا شده است. من در ۶ ماهگی به فرزندپذیری پذیرفته شدم و در کنار یکی از مهربان‌ترین و خاص‌ترین افراد، یعنی مادرم، بزرگ شدم. مادری که ما را با ارزش کمک به دیگران، مهربانی و تلاش برای رشد شخصی تربیت کرد. این ارزش‌ها ساده به‌نظر می‌رسند اما در دنیایی که مهربانی نادیده گرفته می‌شود و کمک به دیگران هزینه دارد، من خوشحالم که الگوی زندگی‌ام او بود. من از اینکه یک الگو در زندگی‌ام داشتم که به من نشان داد، انسان خوب بودن یعنی چه بسیار قدرانم». زاهارا تأکید کرد که این ارزش‌ها در دنیایی که مهربانی گاهی نادیده گرفته می‌شود، برایش بسیار مهم بوده‌اند.

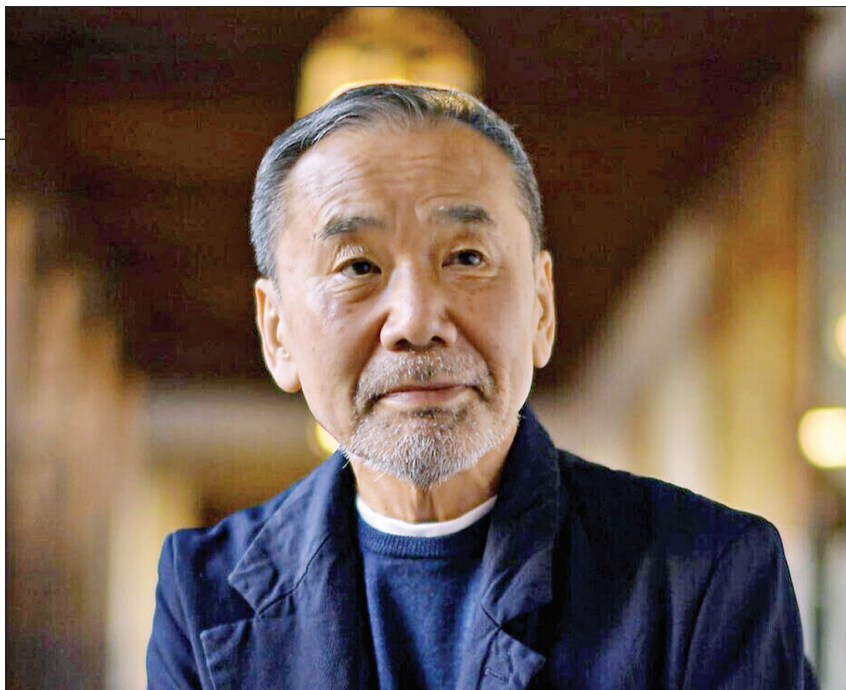
زاهارا سپس به موضوع حضور در فضای عمومی اشاره کرد: «با توجه به زندگی عمومی‌ای که داریم، پیدا کردن لحظات خصوصی و صمیمی بدون اینکه تحت نگاه‌های زیاد قرار بگیریم، سخت است. اما این موضوع هیچ‌وقت مادرم را از کنج‌کاری دربارہ چیزهایی که در کلاس‌ها و بیرون از کلاس‌ها یاد می‌گیرم، باز نداشته است».

زاهارا در ادامه از تأثیر فعالیت‌های انسان‌دوستانه جولی گفت و اشاره کرد که این موضوع روی مسیر زندگی خودش هم اثر گذاشته است. او گفت در خانواده، به‌ویژه به‌عنوان فرزند ارشد، گاهی نقش «مادر دوم» را برای خواهر و برادرهایش داشته و از مراقبت و همدلی، لذت برده است.

او در پایان گفت: «او خودخواه‌ترین، مهربان‌ترین و فهمیده‌ترین زنی است که می‌توانم مادر صدا بزنم. یاد جمله‌ای ام‌تی که سال‌ها پیش دیدم: «من یک زن قوی هستم چون یک زن قوی مرا بزرگ کرده است. ممنونم مامان». آنجلینا جولی نیز روی صحنه رفت و از برگزارکنندگان رویداد برای «جشن گرفتن این پیوند بسیار خاص، یکی از زیباترین روابط زندگی» تشکر کرد. این نخستین باری نیست که جولی برای حمایت از دختر دانشجویش در چنین مراسمی حضور پیدا می‌کند، با وجود اینکه معمولاً از توجه رسانه‌ای دوری می‌کند. در سال ۲۰۲۵ نیز در یک صبحانه مادر-دختر در اسپلمان شرکت کرده بود؛ جایی که زاهارا درباره فقر قاعدگی سخنرانی کرده بود. همچنین هنگام پیوستن زاهارا به انجمن خواهران دانشجویی برای اولین بار مشخص شد که او نام خانوادگی «پیت» را کنار گذاشته و خود را با نام «زاهارا مارلی جولی» معرفی کرده است. آنجلینا جولی و برد پیت ۶ فرزند دارند: مدوکس (۲۴ ساله)، پکس (۲۲)، زاهارا (۲۱)، شیلو (۱۹) و دوقلوها ناکس و ویوین (۱۷ ساله). از میان آنها ۴ نفر به‌طور عمومی دیگر از نام «پیت» استفاده نمی‌کنند: مدوکس، زاهارا، شیلو و ویوین. در گزارش‌ها آمده است که این تغییر نام‌ها احتمالاً در پی اتهامات مربوط به «خشونت فیزیکی و روانی» از سوی برد پیت علیه آنجلینا جولی و فرزندان‌شان بوده است.

عناصر سوررنال را به تصویر می‌کشد. این اثر که در سال ۲۰۲۴ منتشر شده، نسخه بازنگری‌شده‌ای از داستانی است که او در دهه ۱۹۸۰ نوشته بود. موراکامی این بازگشت به دنیای قدیمی را تلاشی برای بازنگری و بازآفرینی داستانی می‌داند که در گذشته کاملاً به آن دست نیافته بود. اکنون، او این جهان را با دیدگاهی تازه و عمیق‌تر به کاوش می‌پردازد و با در هم آمیختن رئالیسم جادویی و پرسش‌های فلسفی داستانی جدید خلق می‌کند. رمان درباره قهرمانی بی‌نام است که به شهری مرموز کشیده می‌شود، شهری محصور در دیوارهایی غیرقابل نفوذ. این مکان با منطق عجیب و قوانین مخصوص به خود، قلمرویی است که به دنیای بیرون بی‌ارتباط به نظر می‌رسد اما در عین حال منعکس‌کننده سفرهای درونی و مبارزات روانی قهرمان داستان است. شهر مانند یک هزارتوی خاطرات و امیال ناخودآگاه او را به دل عمیق‌ترین ترس‌ها و آرزوهایش می‌کشاند.

قهرمان داستان طی پرسه‌زنی در این شهر ناشناخته، با شخصیت‌هایی مواجه می‌شود که هر کدام نمودی از عناصر روان او هستند. این برخوردها او را به کاوش عمیق‌تر در گذشته و روانش سوق می‌دهد و خاطرات سرکوب‌شده و آسیب‌های قدیمی را دوباره زنده می‌کند. فضای مهم شهر و حضور شخصیت‌های نامأنوس، او را وادار می‌کند تا با خود با گذشته‌اش و با مفهوم عشق و ارزش واقعی زندگی روبه‌رو شود. موراکامی در این اثر به بررسی حافظه و تأثیر آن بر هویت می‌پردازد. او بر این ایده تأکید دارد که خاطرات-چه به‌یادماندن و چه فراموش‌شده-دیوارهایی را در اطراف «شهرهای» درونی ما می‌سازند و این شهرهای ذهنی، نقشی کلیدی در درک ما از خود و جهان دارند. قهرمان داستان در این شهر مرموز با خاطرات و احساسات مدفوفش مواجه می‌شود که دامن بر وضعیت روانی و تصمیمات فعلی‌اش تأثیر می‌گذارند. این سفر، هم به صورت واقعی و هم استعاری، او را به عمق ذهن و درک حقیقت وجودی‌اش می‌برد. موضوع دیگر، انزوا و ارتباط است. قهرمان داستان با حس انزوا از خود و دیگران سرفرش را آغاز می‌کند اما برخورداریش در این شهر عجیب، او را به اهمیت ارتباط و آسیب‌پذیری آگاه می‌کند. شخصیت‌هایی که با آن‌ها مواجه می‌شود، جنبه‌هایی از خود او را نشان می‌دهند و او را به تفکر و خودشناسی عمیق‌تر سوق می‌دهند.



جنگل نروژی: برگرفته از نام آهنگی است از گروه «پیتلز». این داستان روایت‌گر عاشقانه‌ای ساده و خالی از جادو است. فضای داستان در توکیو دهه ۱۹۶۰ می‌گذرد و رابطه عاطفی دختر و پسر در دانشجو و خودکشی رفیق‌شان را روایت می‌کند. تمامی اتفاقات داستان در بستر رویدادهای اجتماعی و سیاسی ژاپن از جمله اعتراضات دانشجویان ژاپنی به نظام حاکم رخ می‌دهد. برخی از منتقدان، این کتاب را داستان زندگی خود موراکامی می‌دانند اما خودش این موضوع را انکار کرده است.

سامسای عاشق: برای لذت بردن از این کتاب حتماً باید رمان «مسخ» فرانتس کافکا را خوانده باشید. گریگور سامسا، کارمندی معمولی است و همراه والدین و خواهرش زندگی نسبتاً خوبی دارد. اما یک روز از خواب بیدار شده و متوجه می‌شود که به یک سوسک تبدیل شده است! در سامسای عاشق، موراکامی دوباره به سراغ گریگور می‌رود و او که در کتاب کافکا با نام‌امیدی از دست رفته بود را نجات می‌دهد. او، گریگور را زنده می‌کند تا دوباره، امید را به زندگی او و تمامی خوانندگان‌ش بازگرداند.

شهر و دیوارهای نامطمئن: رمانی است که موضوعات همیشگی موراکامی مانند بیگانگی، درون‌نگری، حافظه و

پیش می‌برد. فصل‌های فرد کتاب روایتگر داستان کافکای ۱۵ ساله است که از خانه فرار کرده تا مادر و خواهرش را پیدا کند. فصل‌های زوج کتاب، ناکاتای مرموز و عجیب و غریب را نشان می‌دهد که در سال‌های پیری‌اش، شغلی تازه پیدا کرده است؛ یافتن گربه‌ها!

بین سال ۱۹۷۳: از اولین نوشته‌های هاروکی موراکامی است. «بین سال، ۱۹۷۳» داستان شخصی است که همراه با دو خواهر دو قلویش زندگی می‌کند و عاشق بازی بین بال است! داستان، در آمد و رفت بین ماجراهای مختلفی می‌گذرد. ماجراهای قهرمان داستان با دو خواهر اسرارآمیزش، معرفی دوستی که موش صحرایی نام دارد، خاطراتش از جنبش‌های دانش‌آموزی ژاپن، نامزد سابقش، راه انداختن یک دارالترجمه و البته عشق ناگهانی و غیرقابل کنترلش به بین بال هستند که خواندن آنها در کنار هم جذاب است.

از دو که حرف می‌زنم، از چه حرف می‌زنم: از جمله کتاب‌هایی است که در دسته زندگی‌نامه خودنوشت قرار می‌گیرد. موراکامی در ۱۱ فصل درباره خصوصیات فردی، خاطرات و سبک زندگی‌اش صحبت کرده است. اما نکته اصلی درباره این کتاب این است که موراکامی در این کتاب به موضوع نویسنده شدن و دوییدن به عنوان دو بخش اصلی زندگی‌اش پرداخته است.

آثار نمایشی از جمله فیلم، سریال و یا تئاتر پیدا می‌کند. آرزوها، رنج‌ها و پیروزی‌های یک جامعه به‌وضوح نمایش داده می‌شوند و این آثار را به اسناد فرهنگی مهمی تبدیل می‌کنند. آنها نه تنها رویدادها را ثبت می‌کنند بلکه چشم‌انداز روانی و احساسی زمانه را نیز بررسی می‌کنند. همان‌طور که جوامع تکامل می‌یابند، بیان نمایشی آنها نیز تغییر می‌کند و چالش‌ها، ایدئولوژی‌ها و چشم‌اندازهای جدید آینده را نشان می‌دهد.

اتفاقی که شاید زمانی رخ می‌داد، اما اکنون نه! سریال دایی جان ناپلئون ساخته ناصر تقوایی براساس رمان ایرج پزشک‌زاد یکی از بهترین نمونه‌ها در تولید آثار نمایشی موفق در ایران است. این سریال از نظر داستان و نحوه و ساختار روایی، بازتابی از جامعه زمان خود و البته بازتابی از تاریخ تمدنی و فرهنگ ایران است. روزی‌روزگاری ساخته امرالله احمدجو که اوایل دهه ۷۰ ساخته شد نیز بازتابی از فرهنگ و جامعه ایران بود. به همین دلیل است که فیلم «اجاره‌نشین‌ها» ساخته داریوش مهرجویی در سال ۱۳۶۵ هنوز هم تازه است یا «دایره زندگی» محصول سال ۱۳۸۶ که کارگردانی پریسا بخت‌آور و با فیلم‌نامه زیرکانه اصغر فرهادی برای مخاطب جذاب و دیدنی است. سریال «خانه به‌دوش» ساخته رضا عطاران وقتی در ماه رمضان سال ۱۳۸۳ از تلویزیون پخش شد، مخاطبان را شگفت‌زده کرد چراکه سریال عطاران، گویی آینده‌ای در برابر جامعه بود. این موضوع نباید باعث این اشتباه شود که آثار حتماً باید ساختار واقع‌گرایانه داشته باشند چراکه سریال «برره» نیز به‌واسطه انعکاس حاصل از نگاه انتقادی به فرهنگ جامعه، باعث خلوت شدن خیابان‌ها در زمان پخش می‌شد. اتفاقی که در «بدنام»، «بی‌عاطفه»، «هزارتو» و دیگر سریال‌هایی که امروز در دسترس هستند، رخ نمی‌دهد. طبقات اجتماعی حاضر در این آثار به شکلی افراطی تعریف می‌شوند، طوری که بسیاری از مخاطبان آن، تجربه حضور در چنین خانه‌هایی را نداشته و ندارند. کمتر کسی است که در تهران موستانگ مشک‌ی دیده باشد! اما مسأله فقط این نیست، مشکل آنجایی پیدا می‌شود که شخصیت‌ها و زیست‌شان هیچ ربطی به آنچه در

جامعه می‌گذرد، ندارد. خوانشی که از عشق یا خیانت در این آثار دیده می‌شود با خوانش جامعه‌سنجی ندارد. شخصیت‌ها موجوداتی کلیشه‌ای و نامربوط به فضای داستانی هستند و اینها باعث می‌شود که این‌گونه سریال‌ها در بهترین حالت، کپی خوبی از نمونه‌های ترکی باشند. مثلاً سینمای هند (بالبوود) که بافتی زنده از رنگ، موسیقی و روایت‌پردازی است آرزوها، رنج‌ها و واقعیت‌های مردم هند را در خود جای داده و به همین خاطر است که یک کارگر هندی در حوزه خلیج فارس بعد از گذران یک روز سخت و شاید تلخ به تماشای فیلم پناه می‌برد تا درد‌هایش را فراموش کند. واقعیت این است که آثار نمایشی فقط بازتاب‌دهنده جامعه نیستند بلکه توانایی شکل‌دهی به آن را نیز دارند. آثار نمایشی، گفت‌وگوهای اجتماعی را می‌سازند، نگاه‌ها را به چالش می‌کشند و الهام‌بخش می‌شوند. به همین خاطر است که «خانه دوست کجاست؟» یا «طعم گیلاس» و یا «جدایی نادر از سیمین» نه فقط فیلم‌هایی برای زمان خود که آثاری برای اثرگذاری در مسیر زمان هستند.

کام برداشتن روی کلیشه

نمی‌توان سازندگان آثار امروز را نیز متهم کرد چراکه ساختار تولید فیلم و سریال امروز در ایران به‌گونه‌ای است که نه تنها سازندگان را به سمت ساخت آثار خلاقانه و اثرگذار نمی‌برد که به‌عکس، خواسته یا ناخواسته، دورشان می‌کند. نگاه افراطی مصرف‌گرایانه در تولید آثار لاجرم فرصت تولید یک سریال قدرتمند را سلب می‌کند. فیلم‌نامه‌نویسان خوب می‌دانند که نوشتن یک فیلم‌نامه خوب می‌تواند حدود یک سال زمان ببرد، یا بازیگران احتمالاً آگاهند که برای رسیدن به نقش باید روزها و ساعت‌ها پیش از شروع فیلم‌برداری تمرین کنند. آیا چنین فرصتی وجود دارد؟ این شتاب در تولید عملاً سریال‌ها و فیلم‌های امروز را تبدیل به آثاری کلیشه‌ای و فاقد تأثیرگذاری کرده و از همین‌روست که شاید مخاطب جدی هنوز دلش برای تماشای دایی جان ناپلئون تنگ می‌شود.

شناسه آگهی ۲۱۶۴۸۸۵
نوبت اول

آگهی مناقصه

(ارزیابی کیفی) (شماره فراخوان: ۰۷۰۰۰۰۰۷۰۹۲۴۰۲۰۰۵)



شرکت گاز استان خراسان رضوی

۶) نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مطابق مصوبه شماره ۱۳۳۰۲/ت۵۰۶۵۹-هـ هیات محترم وزیران و اصلاحیه‌های بعدی آن می‌باشد.

تبصره: مطابق ماده مربوطه در آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکتها و موسسات دانش‌بنیان و اصلاحات بعدی آن، شرکتها و موسسات دانش‌بنیان دارای صلاحیت مورد نیاز و در صورت شمول ماده مذکور، شامل تخفیف ۵۰ درصدی در مبلغ سپرده تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌باشند.

۷) یادآور می‌گردد کلیه مراحل مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

۸) رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی الزامی است و صرفاً موسسات و شرکت‌های ایرانی ثبت شده در فهرست توانمندی‌های مندرج در سامانه توانیران مجاز می‌باشند.

شایان ذکر است دسترسی به متن این آگهی، در سایت www.nigc-khrz.ir امکان پذیر بوده و در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۰۵۱-۳۷۰۲۲۱۱۲ تماس بگیرید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

روابط عمومی شرکت گاز خراسان رضوی

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازنگری اساسی در تجارت

آیا مسیرهای بسته تجارت باز می شوند؟

عبدالله یابگی
<div>تخلیگر اقتصاد</div>

با اختلال و مسدود شدن مسیرهای حیاتی کشتیرانی در خلیج فارس، به‌ویژه گذرگاه راهبردی تنگه هرمز، نشانه‌های یک تغییر جدی در الگوی تجارت منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای به‌چشم می‌خورد. مسیری که سال‌ها به‌عنوان شریان اصلی صادرات انرژی و مواد اولیه شناخته می‌شد اکنون به عاملی برای نگرانی و بی‌ثباتی تبدیل شده و همین مسأله کشورها را ناچار به بازاندیشی در مسیرهای جایگزین کرده‌است. در چنین شرایطی مسیرهای قدیمی که زمانی نقش پررنگی در تجارت داشتند، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این گزینه‌ها، تقویت تجارت از طریق دریای خزر است. مسیری که می‌تواند ایران را به کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و حتی اروپا متصل کند. هرچند این مسیر از نظر ظرفیت و زیرساخت هنوز فاصله زیادی با مسیرهای دریایی جنوبی دارد اما در شرایط بحرانی می‌تواند، بخشی از نیازهای تجاری کشور را پوشش دهد.

همزمان ایده احیای مسیرهای ترانزیتی قدیمی مانند جاده قدیمی سنتو نیز دوباره مطرح شده‌است. این مسیر که در گذشته برای اتصال شرق و غرب مورد استفاده قرار می‌گرفت اکنون می‌تواند به‌عنوان یک کریدور مکمل در کنار سایر مسیرها نقش آفرینی کند. توسعه راه‌های ریلی و جاده‌ای در شرق کشور، به‌ویژه در اتصال به پاکستان، افغانستان و آسیای میانه، نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. بازسازی گمرک‌های قدیمی و تسهیل عبور کالا از مرزهای زمینی از دیگر اقداماتی است که در دستورکار قرار گرفته تا بخشی از فشار ناشی از محدودیت‌های دریایی جبران شود. نگرانی از کمبود کالاهای اساسی، به‌ویژه نهاده‌های کشاورزی مانند ذرت و دانه‌های روغنی، این تحرکات را سرعت بخشیده‌است. این اقدام که نقش کلیدی در تأمین امنیت غذایی دارند، در صورت اختلال در واردات می‌توانند به سرعت بازار داخلی را دچار تنش کنند. تجربه نشان داده که کوچک‌ترین وقفه در زنجیره تأمین این کالاها به افزایش قیمت‌ها و فشار بر مصرف‌کنندگان منجر می‌شود.

در این میان برخی ایده‌های غیرمعارف نیز مطرح شده‌اند. از جمله طرح صادرات نفت به چین از طریق خطوط ریلی که هرچند از نظر اقتصادی و فنی با چالش‌های جدی مواجه است اما نشان‌دهنده سطح نگرانی و تلاش برای یافتن مسیرهای جایگزین است. چنین طرح‌هایی بیش از آنکه راه‌حل فوری باشند، بیانگر این واقعیت هستند که زیرساخت‌های فعلی پاسخگوی شرایط بحرانی نیستند و نیاز به توسعه بخشی در مسیرهای صادراتی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. از سوی دیگر، فشار بر شبکه رسمی واردات و صادرات ممکن است، دولت را به سمت اتخاذ تصمیمات غیرمعمول سوق دهد.

در شرایطی که مسیرهای رسمی با محدودیت مواجه شوند احتمال افزایش نقش شبکه‌های غیررسمی و حتی قاچاق در تأمین کالاهاى مورد نیاز، دور از ذهن نیست. برخی تحلیل‌ها حتی از احتمال تسهیل ضمنی فعالیت‌های خریدی برای تأمین مایحتاج مردم سخن می‌گویند؛ موضوعی که اگرچه می‌تواند در کوتاهمدت بخشی از کمبودها را جبران کند اما در بلندمدت تبعات اقتصادی و نظارتی قابل‌توجهی به همراه خواهد داشت. در همین راستا، سیاستگذار نیز تلاش کرده با کاهش بروکراسی روند واردات را تسهیل کند. پیش از این گمرک ایران اعلام کرده بود که با توجه به شرایط ویژه کشور، یکی از مقررات مهم تجاری به‌طور موقت لغو شده‌است. بر اساس این تصمیم قاعده «تقدم ثبت سفارش بر تخلیه و قبض انبار» که در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات پیش‌بینی شده بود تا اطلاع ثانوی کنار گذاشته شده‌است. این اقدام به واردکنندگان اجازه می‌دهد، کالاهایی که پیش‌تر وارد کشور شده یا در حال ورود هستند را بدون نگرانی از ترتیب زمانی ثبت سفارش، سریع‌تر ترخیص کنند. این تغییر اگرچه در ظاهر یک اصلاح اداری به‌نظر می‌رسد اما در عمل نشان‌دهنده تلاش برای افزایش انعطاف‌پذیری در شرایط بحران است. کاهش زمان ترخیص کالا می‌تواند از ایجاد گلوگاه در بنادر و انبارها جلوگیری کرده و سرعت تأمین بازار داخلی را افزایش دهد. با این حال کارشناسان هشدار می‌دهند که چنین تسهیلاتی باید موقتی باشد زیرا تداوم آن ممکن است به کاهش شفافیت و افزایش ریسک‌های تجاری منجر شود.

به هر حال ایران به هر شکل ممکن قصد ندارد، بازی محاصره دریایی خلیج فارس را بازنده شود و شرایط کنونی هم نشان می‌دهد که تجارت دیگر نمی‌تواند تنها بر یک پا دو مسیر محدود متکی باشد. تنش‌های ژئوپلیتیکی، آسیب‌پذیری مسیرهای سنتی را آشکار کرده و تصمیم‌گیران را به سمت توسعه‌بخشی در زیرساخت‌ها و مسیرهای تجاری سوق داده‌است. برای اقتصاد ایران که به‌طور هم‌زمان واردکننده کالاهای اساسی و صادرکننده انرژی و محصولات پتروشیمی است، این بازیگری نه یک انتخاب بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد؛ ضرورتی که می‌تواند در آینده، نقشه تجارت منطقه را به‌طور کامل دگرگون کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ارزش اوره

اگر کود اوره به جهان نرسد چه اتفاقی می افتد؟

مهتا معرفت
<div>متروخم</div>

در ذهن اکثریت مردم باارزش‌ترین کالاها طلا، الماس یا نهایتاً نقره هستند. فلزاتی که قرن‌ها به‌عنوان معیار ثروت افراد شناخته شده‌اند. اما واقعیت این است که جهان امروز بر پایه کالاهایی می‌چرخد که نه درخشش دارند و نه توجه عمومی را جلب می‌کنند. کالاهایی حیاتی که نبودشان می‌تواند، زندگی میلیون‌ها نفر را مختل کند بی‌آنکه حتی نامشان در ذهن بسیاری نقش بسته باشد. یکی از مهم‌ترین این کالاها، اوره است که به یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده‌است. از مزارع گسترده گندم در هند و چین گرفته تا کشتزارهای سویا در برزیل و آفریقای جنوبی، رشد محصولات غذایی به آن وابسته است و هرگونه اختلال در تولید یا تجارتش، زنجیره‌ای از افزایش قیمت‌ها و نگرانی‌های امنیت غذایی را به‌دنبال دارد. در جهانی که جمعیت‌اش رو به افزایش است و زمین‌های کشاورزی محدود، اوره فقط نوعی کود شیمیایی نیست بلکه به کالایی راهبردی بدل شده که نبض کشاورزی، صنعت و حتی ثبات اقتصادی بسیاری از کشورها را در دست دارد. خبر بد این است که جنگ رمضان، تولید اوره و صادرات آن را از تنگه هرمز با بحران مواجه کرده و اکنون خیلی از کشورهای جهان، نگران وضعیت آن هستند. اما چرا اوره این قدر با ارزش است؟

قدر اوره

خیلی ساده می‌توان گفت که اوره یکی از مهم‌ترین محصولات شیمیایی در جهان امروز است که نقشی حیاتی در امنیت غذایی، کشاورزی و حتی برخی صنایع ایفا می‌کند. این ماده که به‌طور عمده به‌عنوان کود نیتروژنه استفاده می‌شود به دلیل داشتن درصد بالای نیتروژن به افزایش رشد گیاهان و بهبود عملکرد محصولات کشاورزی کمک می‌کند. در شرایطی که جمعیت جهان به‌سرعت در حال افزایش است و تقاضا برای غذا روزبه‌روز بیشتر می‌شود، اهمیت اوره بیش از پیش برجسته شده‌است. در کشاورزی مدرن، نیتروژن یکی از عناصر اصلی برای رشد گیاهان محسوب می‌شود و اوره به‌عنوان یکی از ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین منابع برای افزایش بهره‌وری زمین‌های خود به کودهای نیتروژنه وابسته‌اند و اوره، سهم بزرگی از این بازار را در اختیار دارد. بدون استفاده از این کود، تولید محصولات اساسی مانند گندم، برنج و ذرت به‌شدت کاهش می‌یابد و این موضوع می‌تواند به افزایش قیمت مواد غذایی و حتی بروز بحران‌های غذایی منجر شود. اوره علاوه بر کشاورزی در صنایع مختلف نیز کاربرد

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

شوک جنوبی

خروج امارات متحده عربی از اوپک چه عواقبی دارد؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

امارات متحده عربی اعلام کرد به‌زودی از اوپک خارج می‌شود و تولید نفت خود را به‌طور قابل‌توجهی افزایش خواهد داد. با خروج از اوپک، امارات دیگر محدود به سهمیه‌های تولید نیست و می‌تواند هر مقدار نفت که بخواهد، تولید و صادر کند.

اعلام تصمیم امارات متحده عربی برای خروج از اوپک و چارچوب همکاری اوپک+ از ابتدای ماه مه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین تحولات بازار جهانی انرژی در سال‌های اخیر باشد؛ تصمیمی که نه‌تنها معادلات عرضه و قیمت نفت را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد بلکه توازن قدرت در میان تولیدکنندگان بزرگ نیز دست‌خوش تغییر می‌کند. مقام‌های اماراتی اعلام کرده‌اند که پس از خروج از این ائتلاف، قصد دارند تولید نفت خود را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهند تا به گفته آنها نیازهای جهان را تأمین

دارد. این ماده در تولید رزین‌ها، پلاستیک‌ها، چسب‌ها و حتی برخی داروها مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در صنعت خودروسازی برای کاهش آلاینده‌های خروجی از موتورهای دیزلی، محلولی بر پایه اوره به کار می‌رود که نقش مهمی در کنترل آلودگی هوا دارد. بنابراین اختلال در تولید یا عرضه این ماده می‌تواند، زنجیره‌ای از مشکلات را در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد کند. با توجه به این اهمیت گسترده، هرگونه بحران در تولید یا صادرات اوره می‌تواند پیامدهای جهانی جهان است که بخش قابل‌توجهی از صادرات انرژی و مواد شیمیایی از آن عبور می‌کند. در صورت بروز تنش یا درگیری در این منطقه، حمل‌ونقل دریایی با اختلال مواجه شده و صادرات محصولاتی مانند اوره با کاهش یا توقف رویه‌رو می‌شود. این موضوع به‌ویژه برای کشورهایی که تولیدکننده عمده اوره هستند و بازارهای صادراتی گسترده‌ای دارند بسیار حیاتی است. اختلال در صادرات اوره از طریق تنگه هرمز می‌تواند باعث افزایش قیمت جهانی این محصول شود. کشورهای واردکننده که به این ماده برای تأمین نیازهای کشاورزی خود وابسته‌اند، در چنین شرایطی با کمبود مواجه می‌شوند و ناچارند آن را با قیمت‌های بالاتر تهیه کنند. این افزایش هزینه‌ها در نهایت به مصرف‌کنندگان منتقل شده و موجب افزایش قیمت مواد غذایی می‌شود. در کشورهای در حال توسعه که بخش بزرگی از درآمد خانوار صرف غذا می‌شود این مسأله می‌تواند فشار اقتصادی شدیدی ایجاد کند. از سوی دیگر، تولید اوره نیز به منابع انرژی به‌ویژه گاز طبیعی وابسته است. بسیاری از واحدهای پتروشیمی از گاز به‌عنوان خوراک اصلی استفاده می‌کنند و هرگونه اختلال در تأمین انرژی با افزایش قیمت آن مستقیماً بر تولید اوره تأثیر می‌گذارد. در شرایطی که تنش‌های منطقه‌ای افزایش یابد ممکن است، قیمت انرژی نیز بالا برود و این موضوع به کاهش تولید و افزایش قیمت اوره دامن بزند. در چنین فضای، کشورهای مختلف تلاش می‌کنند با توسعه بخشی به منابع تأمین خود یا افزایش تولید داخلی، وابستگی‌شان را کاهش دهند. با این حال ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید زمانبر و پرهزینه است و در کوتاه‌مدت نمی‌تواند، جایگزین مناسبی برای اختلالات ناگهانی در بازار جهانی باشد. به همین دلیل ثبات در مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی به‌ویژه گذرگاه‌هایی مانند تنگه هرمز اهمیت بسیار زیادی برای حفظ تعادل بازار دارد. در نهایت اهمیت اوره فراتر از یک ماده شیمیایی ساده است؛ این محصول به‌طور مستقیم با امنیت غذایی، ثبات اقتصادی و حتی مسائل زیست‌محیطی مرتبط است. هرگونه بحران در تولید یا صادرات آن می‌تواند، اثرات زنجیره‌ای گسترده‌ای ایجاد کند که از مزرعه تا سفره مردم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل تحولات ژئوپلیتیکی که مسیرهای صادراتی را تهدید می‌کنند

نه‌تنها یک مسأله منطقه‌ای بلکه موضوعی با پیامدهای جهانی به‌شمار می‌روند.

سلاطین اوره

چنانکه شرح داده شد، اوره یکی از پرمصرف‌ترین کودهای شیمیایی در جهان است و تولید و مصرف آن به‌طور مستقیم با وضعیت کشاورزی، منابع انرژی و جمعیت کشورها، ارتباط دارد. در میان تولیدکنندگان اصلی، چین در جایگاه نخست قرار دارد و سهم قابل‌توجهی از تولید جهانی را به خود اختصاص داده‌است. این کشور به دلیل جمعیت بالا و نیاز گسترده به تولید محصولات کشاورزی، هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده بزرگ اوره محسوب می‌شود. پس از چین، هند یکی از بازیگران مهم این حوزه است که اگرچه ظرفیت تولید بالایی دارد اما همچنان برای تأمین نیاز داخلی خود به واردات نیز وابسته است. روسیه نیز به دلیل دسترسی گسترده به منابع گاز طبیعی یکی از صادرکنندگان بزرگ اوره در جهان به شمار می‌رود و نقش مهمی در تأمین بازارهای بین‌المللی دارد. در منطقه خاورمیانه کشورهایمانند ایران، قطر و عربستان سعودی از تولیدکنندگان مهم اوره هستند. مزیت اصلی این کشورها دسترسی به گاز طبیعی ارزان است که ماده اولیه تولید اوره محسوب می‌شود.

این مزیت باعث شده، بخش قابل‌توجهی از تولید آنها به صادرات اختصاص یابد و بازارهای آسیایی و آفریقایی را تغذیه کنند. در آمریکای شمالی، ایالات متحده آمریکا هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده مهمی است اگرچه در برخی دوره‌ها برای تأمین نیاز خود به واردات نیز متکی بوده‌است. همچنین اندونزی و مصر از دیگر تولیدکنندگان قابل‌توجه هستند که نقش منطقه‌ای مهمی در عرضه این محصول دارند. در سمت مصرف، کشورهای که بخش کشاورزی گسترده و جمعیت بالایی دارند بیشترین تقاضا را برای اوره ایجاد می‌کنند. چین و هند در صدر فهرست مصرف‌کنندگان قرار دارند زیرا امنیت غذایی در این کشورها اهمیت حیاتی دارد و استفاده از کودهای نیتروژنه برای افزایش عملکرد محصولات ضروری است. پس از آنها برزیل یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان اوره در جهان است. این کشور با داشتن بخش کشاورزی صادرات‌محور و تولید گسترده محصولاتی مانند سویا و ذرت به واردات حجم زیادی از کودهای شیمیایی وابسته است. در اروپا، کشورهایی مانند فرانسه و آلمان مصرف‌کنندگان مهم اوره هستند، اگرچه سیاست‌های زیست‌محیطی سخت‌گیرانه در این منطقه باعث شده، استفاده از کودهای شیمیایی با محدودیت‌هایی همراه باشد. در آفریقا نیز کشورهایمانند نیجریه و کنیا به‌دلیل توسعه کشاورزی و افزایش جمعیت به مصرف‌کنندگان رو به رشد تبدیل شده‌اند، هرچند سطح مصرف آنها هنوز نسبت به آسیا پایین‌تر است. الگوی جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که منابع انرژی ارزان دارند، تولیدکنندگان اصلی اوره هستند درحالی‌که کشورهای با جمعیت بالا و کشاورزی گسترده مصرف‌کنندگان عمده آن به‌شمار می‌روند. این عدم توازن میان تولید و مصرف باعث شکل‌گیری یک بازار جهانی پویا شده که در آن تجارت بین‌المللی نقش کلیدی دارد. هرگونه اختلال در تولید یا صادرات، به‌ویژه در مناطق حساس ژئوپلیتیکی، می‌تواند به سرعت بر قیمت‌ها و دسترسی کشورها به این نهاده حیاتی تأثیر بگذارد و در نهایت، امنیت غذایی جهان را تحت‌فشار قرار دهد.

سر سهم بازار است؛ رقابتی که می‌تواند به افزایش عرضه و در نتیجه کاهش قیمت‌ها منجر شود. در صورت تحقق این سناریو احتمال شکل‌گیری یک جنگ قیمتی در بازار نفت دور از ذهن نیست؛ وضعیتی که پیش از این نیز در مقاطعی میان تولیدکنندگان بزرگ رخ داده و پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد جهانی به همراه داشته است. کاهش قیمت نفت اگرچه برای کشورهای مصرف‌کننده خبر مثبتی محسوب می‌شود اما برای اقتصادهای وابسته به صادرات نفت می‌تواند به کاهش درآمدهای ارزی و فشارهای مالی منجر شود. از سوی دیگر این تحول می‌تواند، نشانه‌ای از تغییر رویکرد برخی تولیدکنندگان نسبت به سازوکارهای چندجانبه باشد. در شرایطی که رقابت برای جذب بازارهای جدید شدت گرفته، برخی کشورها ترجیح می‌دهند به‌جای پایبندی به توافق‌های جمعی با حداکثرسازی تولید سهم خود را تثبیت یا افزایش دهند. امارات که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی در توسعه ظرفیت‌های تولیدی خود انجام داده اکنون به‌نظر می‌رسد، آماده بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها بدون محدودیت‌های پیشین است. در مجموع، خروج امارات از اوپک و اوپک+ می‌تواند، نقطه عطفی در بازار جهانی نفت باشد. این تصمیم نه‌تنها انسجام یکی از مهم‌ترین ائتلاف‌های انرژی جهان را به چالش می‌کشد بلکه احتمالاً دوره‌ای از رقابت شدیدتر میان تولیدکنندگان را رقم خواهد زد؛ دوره‌ای که پیامدهای آن فراتر از بازار انرژی به حوزه‌های اقتصادی و حتی سیاسی نیز سرایت خواهد کرد.



فراتر از آمار

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که آمار وزیر کار درباره تعداد بیکاران، بسیار کمتر از آمار واقعی است



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در حالی که دولت از افزایش حمایت‌های معیشتی برای بیکار شده‌ها خبر می‌دهد، شکاف میان آمارهای رسمی و برآوردهای میدانی، همچنان محل بحث است. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با تأکید بر پرداخت پیش از موعد حقوق‌ها، اعلام کرده میزان پرداختی «بیمه بیکاری» افزایش یافته و اولویت رسیدگی با ثبت‌نام‌های اینترنتی خواهد بود. به گفته او، طی دو ماه گذشته ۱۴۷ هزار نفر برای دریافت این حمایت ثبت‌نام کرده‌اند؛ رقمی که نسبت به میانگین ماهانه سال گذشته رشد قابل توجهی داشته است. همچنین، از راه‌اندازی سامانه‌ای برای شناسایی دقیق بیکاران و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع خبر داده شده تا تخصیص حمایت‌ها هدفمندتر انجام شود. با این حال، این ارقام در شرایطی مطرح می‌شود که پیش‌تر نیز از تأثیر جنگ، بر از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل، سخن گفته بود. در مقابل، روایت‌های فعالان حوزه کار تصویر متفاوتی ارائه می‌دهند. حمید حاج اسماعیلی، فعال حوزه کار و کارگر، در گفت‌وگو با «سازندگی» معتقد است، بحران بازار کار ریشه‌های عمیق‌تر دارد و به پیش از جنگ بازمی‌گردد؛ جایی که اقتصاد تحت فشار تورم بالا وارد رکود شده و ظرفیت اشتغال به‌تدریج محدود شده بود. به گفته او، جنگ این وضعیت را تشدید کرده و موجب

تعطیلی گسترده کارگاه‌ها، از صنایع بزرگ مانند فولاد و پتروشیمی گرفته تا مشاغل کوچک، خانگی و اینترنت‌محور شده است. او برآورد می‌کند بین سه‌هونیم تا چهارهونیم میلیون شغل از دست رفته باشد؛ رقمی که به‌متراب فراتر از آمارهای رسمی است. او توضیح می‌دهد: در یک‌سال‌ونیم گذشته، ما دو مقطع بحرانی را در حوزه اقتصاد تجربه کرده‌ایم. نخست، دوره پیش از جنگ بود که به‌دلیل تورم بالا، عملاً وارد رکود شدیم. در این مقطع، بازار کار به‌شدت محدود شده بود و افزایش مداوم قیمت‌ها، قدرت خرید مردم را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده بود. این وضعیت موجب شد فعالیت کارگاه‌ها با اختلال مواجه شود و ظرفیت بازار کار به‌صورت روزانه کاهش یابد. پیش از آنکه دولت بتواند برای مدیریت تورم و حرکت به‌سمت انبساط در بازار کار اقدام مؤثری انجام دهد، کشور وارد شرایط جنگی شد. این فعال کارگری با بیان اینکه با آغاز جنگ، این محدودیت‌ها و مشکلات چندین برابر شد، تأکید می‌کند: علاوه بر تهدیدات امنیتی، بیماران‌ها و شرایط ناپایدار، عملاً امکان فعالیت‌های اقتصادی در بسیاری از مناطق از بین رفت. افزایش مستمر تورم، نبود امکان پیش‌بینی برای آینده و محدودیت‌های شدید در شهرهای بزرگ - به‌ویژه شهرهای صنعتی و کارگری مانند تهران - باعث شد فعالیت‌های خارج از منزل نیز با اختلال جدی مواجه شود.



بیکاری ۲۸۰۰۰ کارگر فولاد

این کارشناس با بیان اینکه در بخش تولید نیز خسارات قابل‌توجهی وارد شده است، اضافه می‌کند: بخشی از کارگاه‌های بزرگ، از جمله در صنایع فولاد و پتروشیمی، در اثر بمباران تعطیل شده‌اند. برای نمونه، تنها در صنعت فولاد حدود ۲۸ هزار کارگر مشغول به‌کار بودند که در پی این حملات، شغل خود را از دست داده‌اند. علاوه بر این، محدودیت‌های گسترده ناشی از شرایط جنگی باعث شد بسیاری از کارگاه‌ها فعالیت خود را متوقف کنند. تنها برخی واحدهایی که به‌طور مستقیم در تأمین نیازهای جنگی و نظامی نقش

داشتند و از حمایت دولت برخوردار بودند، به فعالیت ادامه دادند. به گفته او: در این میان، کارگاه‌های کوچک و مشاغل وابسته به بسترهای دیجیتال نیز آسیب جدی دیدند. بسیاری از افرادی که در پلتفرم‌های اینترنتی یا فضای مجازی فعالیت داشتند، به‌دلیل از دست دادن ابزار کار یا نبود امکان عرضه و تبلیغ، عملاً فعالیت خود را متوقف کردند. حتی مشاغل خانگی نیز تحت‌تأثیر همین شرایط تعطیل شدند. او توضیح می‌دهد که: حدود سه میلیون کارگر در بخش غیررسمی فعالیت داشتند که فاقد شناسایی و کد کارگاهی بودند؛ بخش عمده‌ای از این افراد نیز شغل خود را از دست داده‌اند. در کنار آن، بسیاری از مشاغل سنتی که به‌نوعی به ابزارهای اینترنتی وابسته بودند نیز با محدودیت‌های جدی مواجه شدند. به‌ویژه در بخش‌های خدمات، حمل‌ونقل و گردشگری، مشکلات اساسی ایجاد شد. تا حدود ۶ یا ۷ روز پیش از برقراری نسبی آتش‌بس، فعالیت در حوزه حمل‌ونقل اینترنتی، از جمله خدمات تاکسی‌های آنلاین، عملاً متوقف شده بود و اکنون به‌تدریج با بازگشت نسبی شرایط، فعالیت‌ها در حال ازسرگیری است.

حمایت‌های دولت فایده ندارد

او با اشاره به اینکه این بحران همچنین به حوزه رسانه نیز سرایت کرده و محدودیت در فعالیت خبرنگاران، کاهش کانال‌های اطلاع‌رسانی و افت تولید محتوا را به‌دنبال داشته است، اضافه می‌کند: همزمان، کاهش درآمد کارفرمایان نیز موجب شده توان حفظ نیروی کار به‌شدت کاهش یابد. با وجود اعلام برخی برنامه‌های حمایتی از سوی دولت، هنوز میزان اثرگذاری این اقدامات مشخص نیست و انتقادهایی نسبت به نبود شفافیت در اطلاع‌رسانی وجود دارد. در این میان، بیمه بیکاری به‌عنوان مهم‌ترین سازوکار حمایتی نیز به‌دلیل محدودیت منابع سازمان تأمین اجتماعی و مشکلات دسترسی با چالش مواجه شده است. در مجموع، هرچند تسهیلاتی برای کارگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته شده، اما ضعف نظارت بر اجرای سیاست‌ها و تردید در بازگشت کامل فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد بازار کار همچنان در وضعیت ناپایدار و شکننده قرار دارد.

خبر

بلا تکلیفی کنکور

استرس داوطلبان از تعویق بیشتر شد

تعویق در برگزاری کنکور سراسری در پی شرایط ناشی از جنگ، داوطلبان و خانواده‌ها را با یکی از پیچیده‌ترین وضعیت‌های سال‌های اخیر مواجه کرده است؛ وضعیتی که بیش از هر چیز با «ابهام» و «بلا تکلیفی» تعریف می‌شود. در حالی که طبق روال سال‌های گذشته، زمان‌بندی این آزمون ملی از ماه‌ها قبل مشخص می‌شد، شرایط ناپایدار اخیر باعث توقف روندهای اجرایی و تعویق تصمیم‌گیری شده است؛ موضوعی که برنامه‌ریزی تحصیلی داوطلبان را به‌شدت مختل کرده است.

گزارش‌ها و بازخوردهای مخاطبان نشان می‌دهد مسئله اصلی برای بسیاری از داوطلبان، نه صرفاً تعویق آزمون، بلکه نبود هرگونه چشم‌انداز زمانی مشخص است. بخش قابل‌توجهی از آنها معتقدند اعلام یک «تاریخ پایه» - حتی با احتمال تغییر - می‌تواند به کاهش فشار روانی کمک کند.

پیشنهادهایی مانند برگزاری آزمون در بازه‌ای میان اواخر شهریور تا اوایل مهر، با تعیین تاریخی مشخص که در صورت تداوم شرایط بحرانی جابه‌جا شود، از جمله راهکارهایی است که از سوی کاربران مطرح شده است. به باور این گروه، «تحمل تغییر زمان» به‌متراب آسان‌تر از ادامه وضعیت نامعلوم فعلی منجر شود.

در مقابل، برخی دیگر با اشاره به ملاحظات امنیتی، هرگونه تعیین تاریخ در شرایط ناپایدار را تصمیمی شتاب‌زده می‌دانند. از نگاه این گروه، برگزاری آزمون با حضور گسترده داوطلبان در وضعیتی که ثبات کامل برقرار نشده، می‌تواند مخاطراتی جدی به همراه داشته باشد و حتی اعلام زمان احتمالی نیز ممکن است به افزایش اضطراب منجر شود.

در کنار این دو دیدگاه، انتقادهایی نیز نسبت به نحوه اطلاع‌رسانی مطرح است. برخی مخاطبان بر این باورند که در شرایط کنونی، علاوه بر شفاف‌سازی درباره زمان آزمون، لازم است توجه بیشتری به آموزش مهارت‌های مدیریت استرس معطوف شود. همچنین، ضعف در زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و محدودیت‌های ارتباطی، به‌عنوان عاملی مضاعف در تشدید نگرانی‌ها مطرح شده است.

چندسطحی، اداره شهرهای بزرگ به دلیل پیچیدگی و تنوع مسائل، نیازمند هماهنگی میان سطوح مختلف حکمرانی است. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در شهرهایی مانند تورنتو کانادا، سیدنی استرالیا، مادرید اسپانیا و سالفورد انگلستان، شوراهای شهر عهده‌دار طیف گسترده‌ای از وظایف اجرایی در حوزه‌های عمران شهری، محیط‌زیست، بهداشت عمومی، حمل‌ونقل، مسکن، فرهنگ و آموزش هستند. در این کشورها، شوراها علاوه بر نقش نظارتی، از اختیارات اجرایی قابل‌توجهی نیز برخوردارند. در مطالعات علمی معاصر، رویکرد «برنامه‌ریزی مشارکتی» به‌عنوان الگوی غالب مدیریت شهری شناخته می‌شود. این رویکرد ریشه در نظریه «عقلانیت ارتباطی» دارد که بر اهمیت گفت‌وگو و تفاهم در فرآیندهای تصمیم‌گیری جمعی تأکید می‌کند. حضور شهروندان در مراحل مختلف توسعه شهری، مزایایی مانند افزایش اعتماد عمومی به تصمیم‌گیرندگان، شفافیت و پاسخگویی بهتر، کاهش مناقشات از طریق شناسایی زودهنگام مسائل و بهره‌مندی از دانش محلی را به همراه دارد. تجربه مونترآل کانادا در برنامه‌ریزی مشارکتی شهری، نمونه موفق است که نشان می‌دهد شوراهای شهر با اتکا به مشارکت آگاهانه شهروندان می‌توانند کیفیت تصمیمات را بهبود بخشند.

اگرچه قانون شوراها در سال ۱۳۶۱ تصویب شده بود، اما اجرای آن تا سال‌ها به تعویق افتاد. از منظر نظریه انتخاب عمومی، تأخیر در اجرای قوانین مشارکت‌محور، گاهی ناشی از مقاومت نهادهای متمرکز در برابر واگذاری قدرت است. در این میان، دولت دوم خرداد به ریاست سیدمحمد خاتمی، با رویکرد تمرکززدایی و تقویت نهادهای مدنی، تشکیل شوراها را در دستور کار جدی خود قرار داد. سرانجام در سال ۱۳۷۷، هجده سال پس از تصویب قانون اساسی، نخستین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور برگزار شد. فعال‌سازی این ظرفیت قانونی، حاصل رویکرد اعتماد و مشارکت‌جویی دولت اصلاحات بود. در آن دوره، نگاه به نهادهای مدنی و انتخابات محلی از «تهدید» به «فرصت» تغییر یافت و زمینه برای نهادهای مردم‌سالاری در سطح محلی فراهم آمد. از منظر نظریه گذار دموکراتیک، برگزاری انتخابات شوراهای می‌توان گامی در جهت نهادهای مشارکت سیاسی در سطح محلی ارزیابی کرد.

روز شوراها، فرصتی ارزشمند برای بازاندیشی در این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان این نهاد مردمی را کارآمدتر ساخت. پاسخ، در گرو بازگشت به روح قانون اساسی و باور به این اصل است که اداره شهر بدون مشارکت شهروندان، نه ممکن است، نه مطلوب. شورای اسلامی شهر تهران به‌عنوان مهم‌ترین شورای محلی کشور، با تکیه بر ابعاد نظری حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری محلی، می‌تواند الگویی برای سایر شهرها در مسیر تحقق وعده قانون اساسی باشد.

شوراها؛ میان اختیار و مسئولیت

نهادی که برای تمرکززدایی و مشارکت شهروندی است



علی توکلی‌بیرکی

شهردار سابق منطقه ۱۹ تهران

روز شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۹ اردیبهشت، یادآور وعده‌ای است که نزدیک به چهار دهه پیش در قانون اساسی ثبت شد. اصل هفتم قانون اساسی، شوراهای را در کنار مجلس و سایر نهادهای منتخب، به‌عنوان «ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور» معرفی می‌کند. مسیر تحقق این وعده، هرچند با فراز و نشیب‌هایی همراه بود، اما سرانجام در سال ۱۳۷۷ به نتیجه رسید و نخستین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور برگزار شد. نوشتار حاضر می‌کوشد تا ضمن مرور کوتاه تاریخچه شوراها، ابعاد نظری این نهاد، جایگاه آن در نظام مدیریت شهری تهران، تجارب جهانی و نقش دولت اصلاحات در فعال‌سازی این ظرفیت قانون اساسی را تبیین کند.

از منظر نظری، شوراهای شهر می‌توان بر سه محور اصلی تحلیل کرد. نخست، محور مردم‌سالاری محلی است. در نظریه حکمرانی خوب، «مشارکت» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی شناخته می‌شود. مشارکت زمانی معنای واقعی می‌یابد که شهروندان نه صرفاً در پای صندوق‌های رأی، بلکه در فرآیندهای مستمر تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت حضور داشته باشند. شوراهای شهر، به‌عنوان نهادهای منتخب محلی، دقیقاً برای تحقق همین حلقه مفقوده طراحی شده‌اند. از این منظر، شوراها ابزار تحقق «تمرکززدایی» و انتقال بخشی از قدرت تصمیم‌گیری از مرکز به پیرامون هستند. دومین محور نظری، کالبدشکافی قدرت در شهر است. شهرها، به‌ویژه کلانشهرهایی مانند تهران، نه صرفاً تجمعی از ساختمان‌ها و خیابان‌ها، بلکه عرصه توزیع منابع، فرصت‌ها و خدمات هستند. شورای‌شهر در چنین فضای، نقشی کلیدی در بازتوزیع امکانات و کاهش نابرابری‌های فضایی ایفا می‌کند. سومین محور، نظریه سرمایه اجتماعی است. شوراهای از طریق ایجاد کانال‌های ارتباطی رسمی میان شهروندان و مدیریت شهری، می‌توانند اعتماد عمومی را افزایش دهند، شبکه‌های همکاری را تقویت کنند و به حل جمعی مسائل بپردازند. این سه چارچوب نظری، مبنای برای فهم جایگاه و کارکرد شوراها در نظام مدیریت شهری فراهم می‌آوردند.

پیش از انقلاب اسلامی، نهادی به‌نام «انجمن شهیر تهران» با ۳۰ عضو منتخب مردم، وظایفی شبیه به شورای‌شهر امروزی را برعهده داشت که از جمله آنها رسمیت بخشیدن به انتصاب شهردار

